

ایران و برنامه آزادی دریانوردی امریکا

امیرحسین رنجبریان*

ساسان صیرفی**

چکیده

از سال ۱۹۷۹ تاکنون دولت امریکا در حال اجرای برنامه‌ای به نام برنامه آزادی دریانوردی ایالات متحده است. هدف این برنامه، مقابله با ادعاهای دریایی کشورهای ساحلی است که از نظر امریکا مغایر حقوق بین‌الملل دریاها است. برنامه آزادی دریانوردی دارای دو بُعد سیاسی-حقوقی و نظامی است. بُعد سیاسی - حقوقی این برنامه، گذشته از دیپلماسی حقوقی در زمینه حقوق دریاها، در قالب اعتراض رسمی به ادعاهای دریایی موردنظر نمایان می‌شود. اما در اجرای بُعد نظامی برنامه آزادی دریانوردی، نیروی دریایی امریکا علیه کشورهایی که به ادعاهای دریایی آن‌ها اعتراض شده، اقداماتی انجام می‌دهد که اصطلاحاً «اقدام عملیاتی» خوانده می‌شود تا از این رهگذر، ادعای دریایی مورد اعتراض به‌طور عملی به چالش کشیده شود. یکی از اهداف اصلی برنامه، آزادی دریانوردی ایران است که تاکنون بیشترین اقدامات عملیاتی علیه آن انجام شده است. برای واکنش به اقدامات عملیاتی در مواردی، کاربرد زور مجاز بوده و اعتراض دیپلماتیک به هر نوع اقدام عملیاتی ضروری است.

واژگان کلیدی

برنامه آزادی دریانوردی، کنوانسیون حقوق دریاها، اقدام عملیاتی، قانون مناطق دریایی ایران، عبور بی‌ضرر، خطوط مبدأ مستقیم، عبور ترانزیت، فعالیت نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی

ranjbarian@gmail.com

* استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

sassan.seyrafi@gmail.com

** نویسنده مسئول، دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

بی‌گمان آنچه در تاریخ حقوق دریاها به این رشته از حقوق بین‌الملل، پویایی بخشیده، نوعی تعارض منافع بین کشورهای ساحلی از یک‌سو و قدرت‌های دریایی از سوی دیگر بوده است. کشورهای ساحلی پیوسته کوشیده‌اند قلمرو دریایی خود را از حیث وسعت و صلاحیت، توسعه دهند تا از این رهگذر، امنیت و منافع اقتصادی آنان بهتر تأمین شود. اما این کوشش‌ها همواره با ناسازگاری قدرت‌های دریایی روبه‌رو بوده است زیرا گسترش دریای سرزمینی و دیگر مناطق دریایی وابسته به کشورهای ساحلی موجب می‌شود قدرت‌های دریایی از آزادی‌های دریای آزاد محروم شوند. بدین لحاظ، سنگ شالوده بسیاری از مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد راجع به حقوق دریاها (از این پس، «کنوانسیون حقوق دریاها»)، ایجاد نوعی توازن بین این منافع متعارض است. نمونه مشهور این توازن، افزایش عرض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل دریایی است که قدرت‌های دریایی حاضر در کنفرانس سوم حقوق دریاها به این شرط با آن موافقت کردند که متقابلاً تأسیس عبور ترانزیت از تنگه‌های بین‌المللی، وارد کنوانسیون حقوق دریاها شود و چنین نیز شد.

با این‌همه، حتی تصویب و اجرای کنوانسیون حقوق دریاها نیز نتوانسته است نقطه پایان این تعارض منافع باشد، چه اینکه از این مقطع به بعد، کشورهای ساحلی رویکرد پیشینه‌گرایی خود را در مجرای مقررات و تأسیسات پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون حقوق دریاها ادامه دادند. کاربرد خطوط مبدأ مستقیم برای گسترش دریای سرزمینی و دیگر مناطق دریایی، مشروط‌کردن عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی به اطلاع یا اجازه قبلی یا محدودساختن آزادی‌های دریای آزاد در منطقه انحصاری اقتصادی به‌ویژه در زمینه فعالیت نظامی و گردآوری اطلاعات، نمونه‌های بارز این رویکرد محسوب می‌شوند. البته درمقابل، قدرت‌های دریایی نیز همین کنوانسیون حقوق دریاها را مبنای حقوقی خود برای مقابله با پیشینه‌گرایی کشورهای ساحلی قرار داده‌اند که خود بهترین گواه بر جایگاه بنیادین این کنوانسیون در زمینه حقوق دریاها است.

اما در میان قدرت‌های دریایی، واکنش امریکا به این گسترش‌گرایی دریایی کشورهای ساحلی از رنگ دیگری بوده است. امریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهان، بیش از هر کشور دیگری کاهش و پس‌رفت آزادی‌های دریای آزاد را به زیان منافع خود می‌داند. بدین دلیل و با لحاظ برتری نظامی کامل امریکا در دریاها، دولت امریکا مبارزه‌ای فراگسترده و سازمان‌یافته را با سیاست‌های پیشینه‌گرایی کشورهای ساحلی در پیش گرفته است. در این راستا از سال ۱۹۷۹ میلادی تاکنون، برنامه‌ای به‌عنوان برنامه آزادی دریانوردی ایالات متحده (از این پس، «برنامه آزادی دریانوردی») توسط وزارت خارجه و دفاع ایالات متحده اجرا می‌شود. منظور از اجرای این

برنامه این است که با ادعاهای دریایی کشورهای ساحلی که از نظر امریکا مغایر حقوق بین‌الملل و منافی منافع این کشور است، هم از دید حقوقی و هم به شیوه نظامی مقابله شود. در صدر فهرست کشورهایی که هدف برنامه آزادی دریانوردی قرار گرفته‌اند، ایران قرار دارد. تحقیق حاضر، جوانب گوناگون برنامه آزادی دریانوردی و اجرای آن علیه ایران را بررسی می‌کند. بدین لحاظ، مطالب تحقیق در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول، نگاهی کلی به برنامه آزادی دریانوردی خواهد داشت و بخش دوم، به چگونگی اجرای این برنامه درباره ایران می‌پردازد.

۱. نگاهی به برنامه آزادی دریانوردی

برنامه آزادی دریانوردی امریکا از جهات گوناگون درخور بررسی است. باید دانست که این برنامه به چه علت پدید آمده و پیشینه تاریخی آن چیست؛ همچنان که باید موضوع و نحوه اجرای آن را بررسی کرد. افزون بر این، باید به این پرسش پرداخت که امریکا چه هدف یا اهدافی را از اجرای این برنامه دنبال می‌کند.

۱-۱. چرایی و پیشینه تاریخی برنامه آزادی دریانوردی

برنامه آزادی دریانوردی را می‌توان واکنشی دانست به پدیده‌ای که در اصطلاح، «صلاحیت خزنده»^۱ خوانده می‌شود. اجمالاً منظور از صلاحیت خزنده، روندی است که از نیمه دوم قرن گذشته میلادی آغاز شده و به‌موجب آن، کشورهای ساحلی به‌طور پیوسته و روزافزون، دامنه صلاحیت‌های خود را، هم به لحاظ جغرافیایی و هم به لحاظ کارکردی، در دریاها توسعه داده‌اند. از نظر جغرافیایی، کشورهای ساحلی می‌کوشند قلمرو دریایی یا دیگر مناطق دریایی تابع صلاحیت خود را گسترش بخشند و به لحاظ کارکردی، حقوق خود را در مناطق مذکور، افزایش دهند. افزایش عرض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل دریایی و پذیرش تأسیس منطقه انحصاری اقتصادی - که هر دو از رهگذر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در حقوق موضوعه تثبیت شدند - دو نمونه برجسته از نتایج این فرایند تاریخی به‌شمار می‌رود. باین‌حال، نتیجه ضروری این فرایند، محدودشدن دامنه و آزادی‌های دریای آزاد است که به زیان قدرتهای بزرگ دریایی است.^۲

1. Creeping Jurisdiction

۲. برای توضیح بیشتر درباره پدیده صلاحیت خزنده، ن.ک:

Alexander, Lewis M., "The Ocean Enclosure Movement: Inventory and Prospect" 20 *San Diego Law Review* (1982-1983), pp. 561 *et seq.*; Oxman, Bernard H., "The Territorial Temptations: A Siren Song at Sea", 100 *American Journal of International Law* (2006), p. 830 at p. 837 *et seq.*

از سوی دیگر، می‌دانیم که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، ایالات متحده، بزرگ‌ترین قدرت نظامی دریایی جهان تلقی می‌شود به طوری که قدرت دریایی آمریکا یکی از پایه‌های اصلی قدرت نظامی این کشور محسوب می‌شود. به همین لحاظ، آمریکا بیش از هر کشور دیگری در خصوص محدودشدن آزادی دریاها حساسیت دارد. از نظر راهبرد دریایی آمریکا، حفظ قابلیت تحرک نیروهای دریایی و هوایی این کشور در دریاها، به‌منظور گسیل و کاربرد این نیروها، دارای ضرورت و اهمیت بنیادین است چه اینکه «عملیات دریایی، کاملاً به قابلیت تحرک راهبردی در دریاها جهان ... وابسته است. در واقع، در نبرد دریایی، تردد آزاد در دریاها بیش از قدرت آتش اهمیت دارد».^۳ این امر به‌ویژه در مورد تنگه‌ها و آبراهه‌های راهبردی جهان که در اصطلاح، «گلوگاه‌ها»^۴ نامیده می‌شوند، صادق است. در تمام مراحل راهبرد دریایی آمریکا در دوران جنگ سرد، «قابلیت تحرک نیروی دریایی آمریکا بسته به این بود که قادر به عبور از گلوگاه‌های خطوط مواصلات دریایی باشد و این کار را به‌عنوان حق انجام دهد و نه به‌عنوان امتیازی که از کشورهای ساحلی واقع در مسیر، دریافت کرده است».^۵ این واقعیت در دوران بعد از جنگ سرد نیز تغییر نکرده است.^۶ گسترش دریای سرزمینی یا دیگر مناطق دریایی کشورهای ساحلی یا کاهش آزادی‌های مقرر در رژیم حقوقی این مناطق، آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد را محدود می‌کند و محدودشدن آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد، قابلیت تحرک نیروهای نظامی در دریاها را به‌طور معتنابه کاهش می‌دهد.^۷ بدین لحاظ شگفت نیست که دولت آمریکا در صدد مقابله با این‌گونه ادعاهای دریایی در قالب برنامه آزادی دریانوردی برآید.

اما ریشه‌های تاریخی برنامه آزادی دریانوردی آمریکا را باید در سال‌های واپسین کنفرانس سوم حقوق دریاها جستجو کرد. به‌طور مشخص، دو رخداد در جریان کنفرانس مذکور، مقامات وقت آمریکا را بر آن داشت تا این برنامه را تصویب و به موقع اجرا گذارند: نخست، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا طی یک گزارش «ارزیابی اطلاعاتی ملی»^۸ که در سال ۱۹۷۷ تنظیم شد، به دولت آمریکا در مورد مسئله «صلاحیت‌های خزنده» و پیامدهای آن هشدار داده و آن را در حد تهدید امنیت ملی آمریکا تلقی کردند. دوم، به‌دنبال ششمین اجلاس کنفرانس سوم حقوق دریاها

3. Kraska, James, "The Law of the Sea Convention: A National Security Success—Global Strategic Mobility through the Rule of Law", 39 *George Washington International Law Review* (2007), p. 543, at p. 547-8.

4. Chokepoints

5. Grunawalt, Richard J., "Freedom of Navigation in the Post-Cold War Era" in D.R. Rothwell and S. Bateman (eds.), *Navigational Rights and Freedoms and the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2000, p.11 at p. 12

6. *Ibid.*, p. 13.

۷. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Richardson, Eliot L., "Power, Mobility and the Law of the Sea", *Foreign Affairs*, 58 No. 4 (Spring 1980), pp. 902 *et seq.*; See Also, Grunawalt, *op. cit.*, pp. 11 *et seq.*; Kraska, *supra* note 3, pp. 547 *et seq.*

8. National Intelligence Estimate (NIE)

(نیویورک) در سال ۱۹۷۷، سند معروف به «سند مذاکراتی غیررسمی مختلط»^۹ از طرف هیئت‌رئیس کنفرانس منتشر شد. سند مذکور، حاوی نتایج مذاکرات اجلاس نیویورک، به‌صورت پیش‌نویس مواد بود اما هیئت نمایندگی امریکا مدعی شد که آنچه در این سند در خصوص مسئله بهره‌برداری از منابع کانی بستر ژرف دریا آمده، با نتایج مذاکراتی که در کمیته اول (بستر دریا) انجام شده بود، مابینت دارد. بدین ترتیب، مقامات امریکایی متوجه شدند که کنفرانس حقوق دریاها در مسیری که موردنظر ایشان است، حرکت نمی‌کند.^{۱۰}

دو رخداد فوق‌الذکر، دولت کارتر را بر آن داشت که سیاستی یک‌جانبه و سرسختانه در خصوص منافع دریایی امریکا اتخاذ کند. بنا به توصیه *الیوت ریچاردسون*، رئیس هیئت نمایندگی امریکا در کنفرانس سوم حقوق دریاها، *زیگنیف برژینسکی*، مشاور امنیت ملی کارتر، یک گروه ویژه برای بررسی مسئله حفظ آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد تشکیل داد. در گزارش گروه ویژه تأکید شد که گسترش ادعاهای دریایی که آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد را محدود می‌سازند، برای منافع امریکا خطرناک است. در گزارش مذکور توصیه شد که برای حفظ این آزادی‌ها علاوه بر اعتراض رسمی، از قدرت نظامی نیز بهره‌گیری شود. بدین ترتیب بود که راهکارهای پیشنهادی گزارش گروه ویژه، زمینه برنامه آزادی دریانوردی را فراهم کرد.^{۱۱}

در پی تحولات پیش‌گفته، وزارت دفاع و وزارت خارجه ایالات متحده، برنامه مشترکی را به‌منظور مقابله با آنچه امریکا «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه» می‌خواند، تنظیم و از مارس سال ۱۹۷۹ به موقع اجرا گذاردند. به‌طوری‌که قبلاً اشاره شد، عنوان رسمی این برنامه، «برنامه آزادی دریانوردی ایالات متحده»^{۱۲} تعیین شد، هرچند اغلب با نام اختصاری آن به حروف الفبای لاتین (FON)، ذکر و شناخته می‌شود. اگرچه برنامه آزادی دریانوردی را بدو دولت کارتر طرح‌ریزی و اجرا کرد، با تصمیم *رونالد ریگان* مبنی بر خودداری از امضا و تصویب کنوانسیون حقوق دریاها، این برنامه اهمیت دوچندان یافت. ریگان با صدور دستور شماره ۷۲ امنیت ملی ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲^{۱۳} برنامه آزادی دریانوردی را توسعه داد. در واقع، اصول برنامه آزادی دریانوردی در دستور یادشده تبیین و تدوین شد. بعداً دستور شماره ۲۶۵ امنیت ملی ۱۶ مارس ۱۹۸۷^{۱۴} جایگزین دستور فوق

9. Informal Composite Negotiating Text (ICNT)

10. Aceves, William J., "The Freedom of Navigation Program: A Study of Relationship between Law and Politics" 19 *Hastings International and Comparative Law Review* (1995-1996), p. 259 at pp. 277 et seq.

11. *Ibid.*, pp.280-1.

12. United States Freedom of Navigation Program

13. Ronald W. Reagan, National Security Decision Directive 72, December 13, 1982, Reagan Presidential Library Archives, Available at: <http://www.reagan.utexas.edu/archives/reference/scanned%20NSDDS/NSDD72.pdf> [Last Visited: June 26, 2014].

14. *Idem*, National Security Decision Directive 265, March 16, 1987, Reagan Presidential Library Archives, Available at: <http://www.reagan.utexas.edu/archives/reference/Scanned%20NSDDS/NSDD265.pdf> > [Last Visited: June 26, 2014].

شد. دستور اخیرالذکر، در زمان ریاست جمهوری بوش پدر، به‌موجب دستور شماره ۴۹ امنیت ملی ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰^{۱۵} با اصلاحات جزئی تجدید شد. سرانجام در دوران ریاست جمهوری کلینتون، دستور شماره ۳۲ ریاست جمهوری ۲۳ ژانویه ۱۹۹۵^{۱۶} صادر شد. این دستور، ضمن لغو دستور ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰، اصول و مقررات اجرایی برنامه آزادی دریانوردی را مقرر می‌کند و تاکنون نیز لازم-الاجرا است.^{۱۷} البته لازم به ذکر است که دستور ۲۳ ژانویه ۱۹۹۵ ریاست جمهوری، برخلاف دستورهای قبلی مربوط به برنامه آزادی دریانوردی، تاکنون از طبقه‌بندی خارج نشده و تنها مقدمه آن منتشر شده است.^{۱۸} ثمره کلام اینکه «برنامه آزادی دریانوردی را دولت کارتر در سال ۱۹۷۹ آغاز کرد ... و دولت‌های ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و/ویاما آن را ادامه دادند».^{۱۹}

۱-۲. بازبینی موضوع برنامه آزادی دریانوردی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، موضوع برنامه آزادی دریانوردی، مقابله با ادعاهای دریایی است که آمریکا آن را «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه»^{۲۰} می‌خواند. پرسش این است که منظور از این «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه» چیست؟ مختصراً، منظور از «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه»، ادعاهایی دریایی است که از نظر آمریکا «مغایر یا ناقض صریح قواعد حقوق بین‌الملل دریاهاست بدان گونه که در کنوانسیون حقوق دریاها انعکاس یافته»^{۲۱} بوده و به طریقی آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد را محدود می‌سازد. توضیح اینکه اگرچه آمریکا عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیست، بر این موضع است که مقررات این کنوانسیون در خصوص اموری مانند حدود و رژیم دریای سرزمینی یا آزادی‌های دریای آزاد، انعکاس‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی است و لذا آمریکا به تعهدات ناشی از این مقررات، پایبند و از حقوق ناشی از آن برخوردار است.^{۲۲} اما پرسش اصلی این است که مصادیق این به‌اصطلاح «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه»، دقیقاً

15. George W. Bush, National Security Directive 49, October 12, 1990, George Bush Presidential Library Archives, Available at: <http://bushlibrary.tamu.edu/research/pdfs/nsd/nsd49.pdf>, [Last Visited: June 26, 2014].

16. William J. Clinton, Presidential Decision Directive 32 (PDD-32), January 23, 1995, reprinted in Kraska, James and Raul Pedrozo, *International Maritime Security Law*, Martinus Nijhoff Publications, 2013, pp. 213 et seq.

17. *Ibid.*, p. 202.

18. *Ibid.*

19. Roach, J. Ashley and Robert W. Smith, *United States Responses to Excessive Maritime Claims*, 3rd ed., Martinus Nijhoff Publishers, 2012, p. 6.

۲۰. در تحقیق حاضر، عبارت «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه» به‌عنوان معادل فارسی عبارت «excessive maritime claims» به‌کار رفته است.

21. Roach, J. Ashly, "Excessive Maritime Claims" 84 *Proceedings of the American Society of International Law*, (1990), p. 288.

22. Ronald W. Reagan, *Statement on United States Oceans Policy*, March 10, 1983, *Law of the Sea Bulletin*, No. 1(1982): pp.80 et seq. [hereinafter, *Statement on United States Oceans Policy*]

کدام است؟ در پاسخ باید گفت که در تمام دستورهای رؤسای جمهوری آمریکا در خصوص برنامه آزادی دریانوردی، فهرست یکسانی از این «ادعاهای دریایی افزون خواهانه»، به قید حصر، ارائه شده است^{۲۳} که می‌توان آن‌ها را بدین گونه تلخیص کرد:

۱. چنانچه کشور ساحلی ادعا کند که یک پهنه آبی مشخص، خلیج تاریخی بوده یا جزو آب‌های تاریخی آن کشور است و دولت آمریکا این ادعا را به رسمیت نشناسد؛
 ۲. چنانچه کشور ساحلی، خطوط مبدأ مستقیم ترسیم کند بدون اینکه حقوق بین‌الملل عرفی انعکاس یافته در کنوانسیون حقوق دریاها (ماده ۷ کنوانسیون) را رعایت کند؛
 ۳. چنانچه کشور ساحلی، عرض دریای سرزمینی خود را ۱۲ مایل دریایی یا کمتر تعیین کند
- اما:

الف) کشور مورد بحث، مجاور یک تنگه مورد کاربرد دریانوردی بین‌المللی بوده و حق عبور ترانزیت را - شامل عبور زیرسطحی زیردریایی‌ها، پرواز هواگردهای نظامی و عبور سطحی ناوهای جنگی/کمکی - طبق حقوق بین‌الملل عرفی انعکاس یافته در کنوانسیون حقوق دریاها (مواد ۳۷ تا ۴۴ کنوانسیون) مجاز نشناسد؛ یا

ب) کشور مورد بحث، عبور بی‌ضرر ناوهای جنگی/کمکی از دریای سرزمینی را منوط به اجازه یا اطلاع قبلی کرده یا در این خصوص، تبعیض اعمال کند؛ یا

ج) کشور مورد بحث، برای عبور بی‌ضرر ناوهای جنگی/کمکی که با سوخت هسته‌ای حرکت می‌کنند یا حامل جنگ‌افزارهای هسته‌ای یا بار جنگی مشخص دیگری هستند، شرایط ویژه‌ای مقرر کند که در حقوق بین‌الملل شناخته نشده است؛

۴. چنانچه کشور ساحلی، عرض دریای سرزمینی خود را بیش از ۱۲ مایل دریایی تعیین کند؛
۵. چنانچه کشور ساحلی، ادعای صلاحیت در مناطق دریایی به عرض بیش از ۱۲ مایل دریایی، مانند منطقه امنیت^{۲۴} یا منطقه انحصاری اقتصادی کرده و آزادی‌های دریای آزاد را در آن مناطق محدود کند؛

23. Ronald W. Reagan, National Security Decision Directive 72, *op. cit.*, pp.1-2; *Idem*, National Security Decision Directive 265, *op. cit.*, p.2; George H.W. Bush, National Security Directive 49, *op. cit.*, 21, pp.2-3. Grunawalt, *op. cit.*, p. 19.

24. «منطقه امنیت» (Security Zone) اصطلاحی عام است که به مناطق دریایی اطلاق می‌شود که با عناوین مختلف در زمان صلح، مجاور و خارج از دریای سرزمینی ایجاد می‌شود و به منظور حفظ امنیت دولت ساحلی ایجادکننده، تدابیری در آن‌ها اتخاذ و اعمال می‌شود که به نوعی آزادی دریانوردی یا پرواز بر فراز دریای آزاد را محدود می‌سازد. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Leiner, Frederick C., "Maritime Security Zones: Prohibited Yet Perpetuated" 24 *Virginia Journal of International Law* (1984), pp. 967 *et seq.*

البته امروزه «منطقه امنیت» در مفهوم اصطلاحی آن، جز در موارد نادر - مانند «منطقه مرز نظامی» کره شمالی در دریای ژاپن - عملاً متروک شده و آنچه مورد نگرانی کنونی دولت آمریکا است، محدودشدن آزادی‌های دریای آزاد در منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی به‌ویژه در زمینه فعالیت نظامی و گردآوری اطلاعات است.

۶. چنانچه کشور ساحلی خود را به‌عنوان «دولت مجمع‌الجزایری» اعلام کند اما: الف) عبور کشتی‌ها و هواگردهای خارجی از خطوط دریایی مجمع‌الجزایری را - شامل عبور زیرسطحی زیردریایی‌ها، پرواز هواگردهای نظامی و عبور سطحی ناوهای جنگی/کمکی - طبق حقوق بین‌الملل عرفی انعکاس‌یافته در کنوانسیون حقوق دریاها (ماده ۵۳ کنوانسیون) بدون اجازه یا اطلاع قبلی نپذیرد؛ یا

ب) ادعای کشور مورد بحث مبنی بر اینکه دولت، مجمع‌الجزایری است، به‌نحوی با حقوق عرفی انعکاس‌یافته در کنوانسیون حقوق دریاها (مواد ۴۶ و ۴۷ کنوانسیون) مابینت داشته باشد.^{۲۵}

۱-۳. چگونگی اجرای برنامه آزادی دریانوردی

چنان‌که قبلاً ذکر شد، وزارت خارجه و دفاع ایالات متحده، مشترکاً برنامه آزادی دریانوردی را اجرا می‌کنند به‌طوری‌که مقابله با هر «ادعای دریایی افزون‌خواهانه» کشور ساحلی معین، در دو مرحله انجام می‌شود: مرحله اول، مرحله سیاسی - حقوقی است که به عهده وزارت خارجه امریکا قرار دارد. مرحله دوم، مرحله نظامی است که به وزارت دفاع امریکا محول شده است.^{۲۶} به‌طبع، همین بُعد نظامی برنامه آزادی دریانوردی است که آن را بحث‌آفرین و خطرناک جلوه می‌دهد. ذیلاً این دو جنبه اجرایی برنامه آزادی دریانوردی بررسی می‌شود.

الف. مرحله سیاسی - حقوقی

به‌طوری‌که در سطور قبل اشاره شد، جنبه سیاسی و حقوقی برنامه آزادی دریانوردی، زیر نظر وزارت خارجه امریکا قرار دارد. «وزارت خارجه [ایالات متحده] موظف است از طریق دیپلماتیک به هرگونه و همه ادعاهای دریایی که منطبق با کنوانسیون حقوق دریاها نیست، اعتراض کند».^{۲۷} اما اقدام دیپلماتیک در این زمینه در چند سطح انجام می‌گیرد. از یک‌سو، مقامات امریکایی می‌کوشند از طریق گفتگو و مذاکره، کشورهای ساحلی را قانع کنند به قواعد منعکس در کنوانسیون حقوق دریاها - البته طبق نظر و تفسیر امریکا - پایبند باشند.^{۲۸} از سوی دیگر، «در صورت لزوم، وزارت خارجه [ایالات متحده] ... نسبت به ادعاهای دریایی مغایر حقوق بین‌الملل،

۲۵. برای توضیح بیشتر درباره «ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه» از نظر دولت امریکا، ن.ک:

Roach and Smith, *op. cit.*, pp. 17 *et seq.*; United States Department of State, Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs, Pub No. 112, *Limits in Seas: United States Responses to Excessive National Maritime Claims* (1992) [hereinafter, *Limits in the Seas No. 112*]

۲۶. Aceves, *supra note 10*, pp. 287 *et seq.*; Roach and Smith, *op. cit.*, pp. 7 *et seq.*; Grunawalt, *op. cit.*, pp. 17 *et seq.*

۲۷. Grunawalt, *op. cit.*, p. 18.

۲۸. Aceves, *supra note 10*, p. 288; *Limits in the Seas No. 112*, p.6; Roach, *op. cit.*, p.290.

اعتراض رسمی می‌کند».^{۳۹} غالباً این اعتراض از طریق مکاتبه دیپلماتیک سفارت امریکا در کشور موردنظر با وزارت خارجه آن کشور انجام می‌شود^{۴۰} و از حیث نوع مکاتبه، «همه انواع مکاتبات دیپلماتیک، شامل یادداشت‌های دیپلماتیک اول شخص و سوم شخص را دربرمی‌گیرند و ممکن است به صورت یادداشت، یادداشت شفاهی یا تذکاریه باشد».^{۴۱} بنا به آخرین آماری که وزارت خارجه ایالات متحده اعلام کرده، از زمان شروع برنامه آزادی دریانوردی تاکنون، این وزارتخانه ۱۱۰ مورد اعتراض رسمی در اجرای برنامه یادشده انجام داده است.^{۴۲} بی‌گمان طی سال‌های بعد، بر شمار این اعتراضات، افزوده شده است. جدیدترین موردی که از آن اطلاع داریم، اعتراض امریکا به ترسیم دو سیستم خطوط مبدأ مستقیم، پیرامون جزایر دیائوبو دائو (سنکاکو) توسط دولت چین است که به موجب یادداشت ۷ مارس ۲۰۱۳ سفارت امریکا در پکن، خطاب به وزارت خارجه چین انجام شده است.^{۴۳}

ذکر این نکته نیز ضروری است که دولت امریکا همواره تأکید دارد که وضع سیاسی روابط امریکا با کشور ساحلی موردنظر، اثری بر اتخاذ موضع و اعتراض امریکا به ادعای دریایی آن کشور ندارد.^{۴۴} به بیان دیگر، «برنامه [آزادی دریانوردی] برابرنگرانه، به ادعای دریایی افزون‌خواهانه همه کشورها اعم از اینکه [روابط آن‌ها با امریکا] هم‌پیمانانه، دوستانه، بی‌طرفانه یا غیردوستانه باشد، اعتراض می‌کند».^{۴۵} بررسی رویه امریکا تا اندازه زیادی بر درستی این مدعا گواهی می‌دهد.^{۴۶}

اعتراض دیپلماتیک از ابزارهای کارور در عرصه روابط حقوقی بین‌المللی است. اعتراض یک دولت به اقدام یا ادعایی که دولت دیگری معمول یا مطرح کرده، دلالت بر این دارد که دولت اعتراض‌کننده، اقدام یا ادعای مورد اعتراض را از نظر حقوق بین‌الملل، غیرقانونی تلقی می‌کند.

29. Roach, *loc. cit.*

۳۰. به شرحی که خواهد آمد، در مواردی مانند ایران که بین دولت امریکا و دولت اعتراض‌شونده، روابط دیپلماتیک وجود ندارد، اعتراض از طریق ارسال یادداشت از سوی هیئت نمایندگی دائم ایالات متحده در سازمان ملل متحد به دبیرکل یا دبیرخانه ملل متحد انجام می‌شود.

31. Roach and Smith, *op. cit.*, p. 8.

۳۲. برای بررسی نمونه‌هایی از این اعتراضات، ن.ک:

Pickering, Margret S., Sally J. Cummins and David P. Stewart (eds.), *The Digest of United States Practice in International Law 1989-1990*, International Law Institute, 2003, pp.440 *et seq.*

33. Guymon, CarrieLyn D. (ed.), *The Digest of United States Practice in International Law 2013*, pp.369 *et seq.* Available at: <http://www.state.gov/documents/organization/226409.pdf> [Last visited: June 29, 2014].

34. Grunawalt, *op. cit.*, p. 19

35. Roach, *op. cit.*, p.289.

۳۶. برای نمونه می‌توان به اعتراض امریکا به دانمارک اشاره کرد که عبور ناوهای جنگی از دریای سرزمینی خود را حسب مورد، منوط به اطلاع یا اجازه قبلی کرده است. در این خصوص، ن.ک:

Cummins, Sally J. and David P. Stewart (eds.), *The Digest of United States Practice in International Law 1991-1999*, International Law Institute, 2005, pp. 1596 *et seq.*

هدف دولت اعتراض‌کننده از تنظیم و ابلاغ اعتراض رسمی، در وهله نخست این است که هرگونه رضایت ضمنی به آنچه مورد اعتراض واقع شده، منتفی شود. افزون بر این، اعتراض بدین معناست که دولت اعتراض‌کننده، آثار حقوقی اقدام یا ادعای مورد اعتراض را به رسمیت نشناخته و آن را درمقابل خود، نافذ و قابل استناد نمی‌داند. همچنین دولت اعتراض‌کننده، اعتراض خود را محملی برای اتخاذ تدابیر دیگر جهت مقابله یا رفع آثار اقدام یا ادعای مورد اعتراض تلقی می‌کند.^{۳۷}

ب. مرحله نظامی

مرحله نظامی برنامه آزادی دریانوردی را باید نمود بارز سیاست قدرت در عرصه بین‌المللی قلمداد کرد. به طوری که قبلاً ذکر شد، اجرای این قسمت از برنامه آزادی دریانوردی به عهده وزارت دفاع امریکا قرار گرفته است. در پیوند با اقدامات دیپلماتیک وزارت خارجه ایالات متحده، وزارت دفاع این کشور مکلف است به صورت عملیاتی، ادعاهای دریایی مورد اعتراض را به چالش درآورد.^{۳۸} در این راستا، نیروی دریایی ایالات متحده علیه ادعای دریایی مورد اعتراض، مبادرت به «اقدام عملیاتی»^{۳۹} می‌کند. منظور از «اقدام عملیاتی»:

«عملیات نیروی دریایی یا هوایی^{۴۰} ایالات متحده است که به منظور تأکید بر حقوق و آزادی‌های دریانوردی انجام شده و اقدامات دیپلماتیک را تکمیل می‌کند. این گونه استیقای حقوق و آزادی‌های [دریانوردی] به طور ملموس نشان می‌دهد که ایالات متحده در برابر ادعاهای دریایی افزون‌خواهانه دولت‌های دیگر، تمکین نخواهد کرد».^{۴۱} (تأکید از نویسنده است).

به بیان دیگر، نیروی دریایی امریکا، اقدام یا اقداماتی انجام می‌دهد که به طور عملی و علنی نشان دهد دولت امریکا ادعای دریایی کشور ساحلی موردنظر را - که اصطلاحاً «دولت هدف»^{۴۲}

^{۳۷} در خصوص مفهوم، شرایط اعتبار و آثار اعتراض در حقوق بین‌الملل، ن.ک:

MacGibbon, Ian C., "Some Observations on the Part of Protest in International Law" 30 *British Yearbook of International Law* (1953), pp. 293 et seq.

³⁸. Aceves, *supra note* 10, p. 293.

^{۳۹} در تحقیق حاضر، عبارت «اقدام عملیاتی» به جای عبارت «operational assertion» به کار رفته است. بعضاً اصطلاحاتی همچون «چالش عملیاتی» یا «operational challenge» یا «عملیات برنامه آزادی دریانوردی» یا «FON Operation» در منابع امریکایی نیز به کار می‌رود.

^{۴۰} اگرچه نیروی هوایی ایالات متحده نیز مأمور به انجام اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی است، عملاً تاکنون این اقدامات را تنها نیروی دریایی این کشور انجام داده است. ن.ک:

Kraska and Pedrozo, *op. cit.*, pp.202-3.

⁴¹. *Limits in the Seas* No. 112, p. 6.

⁴². Target State

خوانده می‌شود - به رسمیت نمی‌شناسد.

هر اقدام عملیاتی، بنا به دستور عملیاتی و طبق برنامه‌ریزی‌های دقیق قبلی انجام می‌گیرد. کشتی یا هواپیمای مجری اقدام عملیاتی طبق برنامه قبلی وارد منطقه‌ای می‌شود که ادعای دریایی مورد اعتراض، نسبت به آن مطرح شده و عمل یا اعمالی انجام می‌دهد که منافی و معارض ادعای دولت هدف باشد.^{۴۳} برای مثال، چنانچه کشور ساحلی عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی خود را منوط به اجازه قبلی کرده یا ممنوع نموده باشد، کشتی مجری اقدام عملیاتی، بدون اجازه مقامات کشور ساحلی، وارد دریای سرزمینی آن کشور شده و از آن عبور می‌کند. این دقیقاً همان است که در حادثه معروف به «تصادم در دریای سیاه»^{۴۴} رخ داد. توضیح اینکه شوروی سابق، به‌موجب فرمان ۲۳ آوریل ۱۹۸۳ شورای وزیران اتحاد شوروی، کشتی‌های جنگی خارجی را مکلف کرده بود عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی اتحاد شوروی را به طرح‌های تفکیک ترافیک تعیین‌شده از طرف شوروی محدود کنند. اما در فرمان مذکور، هیچ طرح تفکیکی برای دریای سیاه مقرر نشده بود که به‌طور ضمنی بر منع عبور بی‌ضرر از این پهنه آبی دلالت داشته باشد. در پی اعتراض امریکا به این تصمیم شوروی و در اجرای برنامه آزادی دریانوردی، از ۱۹۸۴ به بعد، نیروی دریایی امریکا چندین مورد اقدام عملیاتی در دریای سرزمینی شوروی انجام داد که با درگیری‌هایی نیز همراه بود. سرانجام در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۸ ناوشکن کارون و رزم‌ناور یورکتاون به‌عنوان عبور بی‌ضرر و در اجرای اقدام عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، وارد دریای سرزمینی شوروی شدند. متقابلاً، دو پاس‌ناو شوروی، پس از تعقیب دو ناو امریکایی و اخطار به آنان، عمداً با آنها برخورد ایجاد کردند. به دنبال اعتراض رسمی طرفین به یکدیگر، این حادثه رسانه‌ای شد به‌طوری‌که می‌توان آن را مشهورترین اقدام عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی به‌شمار آورد.^{۴۵}

طبق دستور ۲۳ ژانویه ۱۹۹۵ ریاست‌جمهوری ایالات متحده، اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی باید «غیرتحریک‌آمیز»،^{۴۶} «دادورانه»^{۴۷} و «به‌لحاظ سیاسی، برابرنگرانه»^{۴۸} باشند.^{۴۹}

۴۳. برای توضیح بیشتر درباره چگونگی انجام اقدام عملیاتی، ن.ک:

Mandsager, Dennis, "The U.S. Freedom of Navigation Program: Policy, Procedure, and Future" in Michael N. Schmitt (ed.) *The Law of Military Operations; Liber Amicorum Professor Jack Grunawalt (U.S. Naval War College International Law Studies, vol. 72)*, Naval War College Press, 1998, p. 113 at pp. 120 et seq.

44. Black Sea Bumping Incident

۴۵. برای توضیح بیشتر درباره حادثه «تصادم دریای سیاه» و دیگر موارد اقدام عملیاتی علیه شوروی سابق، ن.ک:

Aceves, William J., "Diplomacy at Sea: U.S. Freedom of Navigation Operations in the Black Sea" 46 *Naval War College Review* (1993), pp. 59 et seq.

46. Non- provocative

47. Evenhanded

48. Politically Neutral

49. Grunawalt, *op. cit.*, p. 18.

البته همان طور که *گروناوالت* تأکید می‌کند، «غیرتحریک‌آمیز» به این معنا نیست که از درگیری با دولت هدف خودداری می‌شود بلکه منظور این است که هدف از انجام اقدام عملیاتی این نیست که واکنش کشور موردنظر برانگیخته شود چه اینکه «اقدام عملیاتی موفق، اقدامی است که واکنشی در پی ندارد [چرا که] این‌گونه نشان داده می‌شود که کشور ساحلی ... آزادی موردنظر ایالات متحده را می‌پذیرد».^{۵۰} منظور از «دادورانه» بودن اقدامات عملیاتی این است که این اقدامات، تنها علیه کشورهای فاقد قدرت نظامی انجام نمی‌شود. گواه این مدعا موارد فراوان اقدام عملیاتی علیه شوروی سابق در دوران جنگ سرد است. سرانجام، منظور از اینکه اقدامات عملیاتی «به لحاظ سیاسی برابرنگرانه» هستند این است که اقدامات عملیاتی علیه هر کشوری، «قطع‌نظر از نوع روابط سیاسی آن کشور با امریکا ممکن است انجام شود چنان که این اقدامات علیه برخی از بهترین دوستان امریکا انجام شده است همچنان که علیه کشورهایی مانند لیبی که با امریکا روابط غیردوستانه داشتند، انجام گرفت».^{۵۱}

اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، طبق مقررات درگیری زمان صلح انجام می‌شود.^{۵۲} درعین‌حال، مقررات درگیری مشخص می‌کند که چنانچه کشور ساحلی به اقدام عملیاتی واکنش نشان داد، کشتی یا هواپیمای مجری اقدام، چگونه در پاسخ، متوسل به زور شود. قبل از انجام اقدام عملیاتی درمورد واکنش احتمالی دولت هدف، ارزیابی اطلاعاتی به‌عمل می‌آید که در دستور عملیاتی مربوط، ذکر شده و مقررات درگیری نیز طبق این ارزیابی تنظیم می‌شود.^{۵۳} مواردی که اقدام عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، منجر به درگیری نظامی شده باشد، بسیار نادر است.^{۵۴} در موارد حساس، اقدام عملیاتی حسب مورد، منوط به تأیید ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده یا رئیس‌جمهور امریکا است.^{۵۵}

در اوج جنگ سرد و بعد از آن، در دهه‌های هشتاد و نود میلادی که نیروی دریایی امریکا بیش از ۶۰۰ فروند ناو جنگی در اختیار داشت، سالانه ۳۵ تا ۴۰ اقدام عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی با کشتی یا هواپیما انجام می‌شد. اما در سال‌های اخیر، تعداد موارد اقدام عملیاتی به‌طور چشمگیر کاهش یافته است. دلیل امر این است که «کاهش ناوگان دریایی [امریکا] به کمتر از ۳۰۰ فروند ناو جنگی و هزینه‌های جنگ در عراق و افغانستان، قدرت و رغبت این کشور برای حفظ یک برنامه قوی را کاهش داده است».^{۵۶} افزون بر این، وزارت خارجه ایالات متحده،

50. *Ibid.*

51. *Ibid.*, pp. 18-9.

52. Aceves, *supra note* 10, p. 293.

53. Mandsager, *op. cit.*, p. 120.

54. برای دیدن نمونه‌هایی از این درگیری‌ها، ن. ک.: Aceves, *supra note* 10, pp. 294 *et seq.*

55. *Ibid.*, pp. 293-4.

56. Kraska and Pedrozo, *op. cit.*, p. 203.

وزارت دفاع این کشور را زیر فشار قرار داده است تا اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی را کاهش دهد زیرا ممکن است این اقدامات به روابط امریکا با دولت هدف لطمه وارد کند.^{۵۷} بدین لحاظ، تعداد اقدامات عملیاتی در حال حاضر به ۵ تا ۸ مورد در سال رسیده است؛^{۵۸} هرچند این تعداد در سال ۲۰۱۳ به ۱۱ مورد افزایش یافته است.^{۵۹} البته بهرغم کاهش موارد اقدام عملیاتی در سال‌های اخیر، ایران هر ساله جزو دولت‌های هدف اقدامات عملیاتی بوده است.

لازم به ذکر است که از سال ۱۹۹۱ به بعد، فهرست اقدامات عملیاتی که در هر سال انجام شده، به صورت ضمیمه گزارش سالانه [وزیر دفاع] به رئیس‌جمهور و کنگره^{۶۰} و در سال‌های اخیر به صورت گزارش برنامه آزادی دریانوردی به کنگره^{۶۱} از طرف وزارت دفاع امریکا منتشر می‌شود.^{۶۲} هدف از انتشار این گزارش‌ها این است که «جامعه بین‌المللی را از اقداماتی آگاه سازد که نشان می‌دهد ایالات متحده، تسلیم ادعاهای افزون‌خواهانه نمی‌شود».^{۶۳}

۱-۴. واکاوی اهداف برنامه آزادی دریانوردی

اینک باید این پرسش را مطرح کرد که دولت امریکا از نظر حقوقی چه هدف یا اهدافی را از اجرای برنامه آزادی دریانوردی دنبال می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی، در وهله اول باید مسئله «رضایت ضمنی»^{۶۴} را مطرح کرد. در بیانیه رئیس‌جمهوری راجع به سیاست دریایی ایالات متحده، ضمن اشاره به برنامه آزادی دریانوردی آمده است که:

«... ایالات متحده، حقوق و آزادی‌های خود را [در مورد] دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد در سطح جهانی، به طوری که با توازن منافع انعکاس یافته در کنوانسیون حقوق دریایا منطبق باشد، اعمال و استیفا خواهد کرد. اما دولت ایالات متحده در برابر اعمال یک‌جانبه دولت‌های دیگر که حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی در زمینه دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد و نیز دیگر آزادی‌های دریای آزاد را محدود می‌سازند، رضایت ضمنی نخواهد داد».^{۶۵} (تأکید از نویسنده

57. *Ibid.*

58. *Ibid.*

59. United States Department of Defense, Freedom of Navigation (FON) Report for Fiscal Year (FY) 2013. Available at:

<<http://policy.defense.gov/Portals/11/Documents/gsa/cwmd/FY2013%20DOD%20Annual%20FON%20Report.pdf>> [Last Visited: July 6, 2014].

60. Annual Report to the President and Congress

61. Freedom of Navigation (FON) Report to Congress

62. برای دیدن فهرست‌های اقدامات عملیاتی به این تارنما، ن.ک:

[Last Visited : July 6, 2014]. <<http://policy.defense.gov/OSDPOffices/FON.aspx>>

63. Mandsager, *op. cit.*, p. 121.

64. Acquiescence

65. Statement on United States Oceans Policy, p. 81.

است).

بررسی دیگر اسناد دولتی^{۶۶} و ادبیات دانشگاهی^{۶۷} امریکا نشان می‌دهد که اولین هدف از اجرای برنامه آزادی دریانوردی این است که نتوان رضایت ضمنی به «ادعاهای دریایی افزون خواهانه» به این کشور نسبت داد. توضیح اینکه بر اساس قاعده رضایت ضمنی، چنانچه یک دولت با وضعیتی روبه‌رو شود که به‌نوعی حقوق آن دولت را نقض یا تهدید می‌کند و در برابر این وضعیت سکوت کرده و اعتراض نکند، آثار حقوقی وضعیت مورد بحث در برابر آن دولت، نافذ و قابل استناد خواهد بود چرا که فرض بر این است که دولت موردنظر با سکوت خود به وضعیت یادشده رضایت داده است.^{۶۸} بدین ترتیب، نخستین ملاحظه امریکا در برابر ادعاهای دریایی که آن‌ها را غیرقانونی می‌داند این است که به‌طور رسمی به آن اعتراض کند.

اما نقش اعتراض در حقوق بین‌الملل، تنها در پیوند با قاعده رضایت ضمنی نیست. اعتراض، در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی نیز نقش اساسی دارد. حقوق عرفی نتیجه فرایند ادعا و پاسخ است. همان‌طور که کنش‌های دولت‌ها، رویه منشأ قاعده عرفی را پدید می‌آورد، واکنش‌های دولت‌ها به این کنش‌ها نیز به‌عنوان رویه دولت‌ها لحاظ می‌شود. به بیان دیگر، چنانچه اقدام‌ها یا ادعاهای تأییدکننده یک قاعده عرفی جدید با اعتراضات دولت‌های دیگر مواجه شود، قاعده مورد بحث تحقق نخواهد یافت.^{۶۹} بنابراین، هدف دیگر امریکا از اجرای برنامه آزادی دریانوردی این است که ادعاهای دریایی مغایر منافع امریکا، موجب تکوین قواعد عرفی جدید نشود.^{۷۰} از این حیث، دولت امریکا برنامه آزادی دریانوردی را نه‌تنها حافظ منافع خود، بلکه حافظ منافع جامعه بین‌المللی می‌داند.^{۷۱} البته اعتراضات در صورتی قادر به بازداري تحقق قاعده عرفی جدید است که از حیث مقدار و ارزش رویه‌ای، هم‌سنگ رویه تأییدکننده قاعده باشد.^{۷۲} بدین لحاظ، به نظر نمی‌رسد این هدف برنامه آزادی دریانوردی محقق شده باشد زیرا همراهی دیگر

66. *Limits in the Seas No. 112*, p.6; Negroponte, John D., "Who Will Protect Freedom of the Seas" United States Department of State, Bureau of Public Affairs, Office of Public Communication, *Current Policy No. 855*, 1986, p. 3, cited in Aceves, *supra note 10*, p. 287.

67. Roach and Smith, *op. cit.*, p. 9; Grunawalt, *op. cit.*, p. 15; Mandsager, *op. cit.*, pp. 188 *et seq.*

68. در خصوص قاعده رضایت ضمنی در حقوق بین‌الملل، ن.ک:

MacGibbon, Ian C., "The Scope of Acquiescence in International Law" 31 *British Yearbook of International Law* (1954), pp. 143 *et seq.*

69. Akehurst, Michael, "Custom as a Source of International Law" 47 *British Yearbook of International Law* (1974-75), p. 1 at pp. 38 *et seq.*

70. Aceves, *supra note 10*, pp. 302 *et seq.*; Stephens, Dale, "The Legal Efficacy of Freedom of Navigation Assertion" in Richard B. Jacques (ed.) *Issues in International Law and Military Operations (U.S. Naval War College International Law Studies, vol. 80)*, Naval War College Press, 2006, p. 235 at pp. 242 *et seq.*

71. Grunawalt, *op. cit.*, p. 15.

72. Akehurst, *op. cit.*, pp. 39-40.

کشورها با این برنامه تاکنون ناچیز بوده است.^{۷۳} با این وصف، حتی اعتراض یک دولت نیز در فرایند تشکیل حقوق عرفی مؤثر است زیرا به موجب قاعده «معتراض مستمر»،^{۷۴} چنانچه قبل از تبدیل یک رویه به قاعده عرفی، دولتی پیوسته به آن رویه اعتراض کند، می‌تواند با این اعتراض مستمر، مانع از شمول قاعده موردنظر بر خود شود.^{۷۵} به نظر چنین می‌رسد که از حیث حقوق بین‌الملل عرفی، تنها کارکرد برنامه آزادی دریانوردی برای امریکا این است که به این کشور در برابر تحولات حقوق عرفی دریاها، وصف معترض مستمر بدهد.

پرسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اهداف پیش‌گفته با اعتراض رسمی امریکا به ادعاهای دریایی منافی منافع این کشور تأمین می‌شود. پس هدف از اجرای اقدامات عملیاتی چیست؟ در پاسخ باید به آنچه در اصطلاح، «دکترین استیفای حقوق»^{۷۶} خوانده می‌شود اشاره کرد. به موجب این دکترین، یک دولت می‌تواند حقی را که دولت دیگری به ناروا تضییع یا انکار کرده، از طریق استیفای آن حق، تأیید کند و مکلف نیست به لحاظ انکار دولت دیگر، از اعمال حقوق خود خودداری کند.^{۷۷} این دکترین از رهگذر رویه قضایی در قضیه کانال کورفو وارد حقوق موضوعه شد. چنانکه می‌دانیم، قضیه مذکور از آنجا آغاز شد که در پی عبور دو ناو جنگی انگلیسی از دریای سرزمینی آلبانی در کانال کورفو و شلیک آتشبار ساحلی آلبانی به آن‌ها و اعتراض انگلیس به این اقدام، دولت آلبانی مدعی شد که کشتی‌های خارجی فقط با اجازه قبلی آلبانی حق عبور از دریای سرزمینی این کشور را دارند. در واکنش، دولت انگلیس ضمن تأکید بر حق عبور بی‌ضرر از تنگه، اعلام کرد که چنانچه آتشبارهای ساحلی آلبانی مجدداً در کورفو به سوی کشتی‌های جنگی این کشور شلیک کنند، علیه آن‌ها متوسل به زور خواهد شد. سپس در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ چند ناو انگلیسی برای تشخیص اینکه «آیا دولت آلبانی ادب شده است یا خیر» مأمور شدند از دریای سرزمینی آلبانی در شمال تنگه کورفو عبور کنند. در حین عبور کشتی‌ها، دو ناوشکن در اثر برخورد با مین، دچار تلفات و صدمات شدید شدند. در پی این رخداد، نیروی دریایی انگلیس با اعزام چندین ناو مین‌روب، در ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۱۹۴۶ در آب‌های سرزمینی آلبانی در تنگه کورفو عملیات مین‌روبی انجام داد. سرانجام، این وقایع منجر به طرح

73. Stephens, *op. cit.*, endnotes 8-9 and the accompanying text.

74. Persistent Objector

75. در خصوص قاعده معترض مستمر، ن.ک:

Charney, Johnathon I. "The Persistent Objector Rule and the Development of Customary International Law", 56 *British Yearbook of International Law* (1985), pp.1 *et seq.*

76. در تحقیق حاضر، عبارت «دکترین استیفای حقوق» به‌عنوان معادل عبارت «Assertion of Rights Doctrine» به‌کار رفته است. لازم به توضیح است که لفظ «Doctrine» در این عبارت در اصطلاح زبان حقوقی انگلیسی به معنی «اصل حقوقی» به‌کار رفته است. در این خصوص، ن.ک:

"Doctrine" in Garner, Bryan A.(ed.), *Black's Law Dictionary*, West publishing Co., 2004.

77. Aceves, *supra note* 10, pp.307 *et seq.*

دعوی انگلیس علیه آلبانی در دیوان بین‌المللی دادگستری شد. نکته کلیدی اینجاست که دیوان در رأی ۹ آوریل ۱۹۴۹ در مورد عبور ناوهای جنگی انگلیس در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ چنین اظهار عقیده کرد که از آنجایی که «این مأموریت به منظور تأیید حقی انجام شده که به ناروا انکار شده است»، عبور، بی‌ضرر تلقی شده و از لحاظ قانونی صحیح بوده است.^{۷۸} در واقع می‌توان عبور ناوهای انگلیسی از تنگه کورفو را پیش‌نمونه اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی امریکا دانست. سابقه قضایی قضیه کانال کورفو نیز برای توجیه حقوقی اقدامات عملیاتی یادشده، مورد استناد نویسندگان نزدیک به دولت امریکا قرار گرفته است.^{۷۹}

استدلال پیش‌گفته از سوی دیگر نویسندگان نزدیک به دولت امریکا به نحو دیگری مطرح شده است. از نظر آن‌ها اگر اعتراض رسمی با اقدامات عملیاتی همراه نشود، کشور ساحلی موردنظر، به هدف خود رسیده زیرا عملاً امریکا را مجبور به تن‌دادن به ادعای مورد اعتراض کرده است.^{۸۰} وانگهی، همواره می‌توان اعتراض کلامی را با کلام پاسخ داد اما اقدام عملی ارزش رویه‌ای بالاتری دارد زیرا اگر اقدام عملیاتی بدون واکنش دولت هدف انجام شود، این را می‌توان به عدول از ادعای مورد اعتراض تفسیر کرد.^{۸۱} از نظر سیاسی، «اقدامات عملیاتی، پیامی قوی‌تر از اعتراضات رسمی می‌فرستند زیرا اعتراضات به‌تنهایی انگیزه کافی برای ترک ادعای مورد اعتراض فراهم نمی‌کند».^{۸۲} افزون بر این، اگر حقوق موردنظر امریکا به‌طور پیوسته در شرایط عادی استیفا نشود، استیفای آن در شرایط بحرانی، هزینه‌های سیاسی بیشتری خواهد داشت.^{۸۳} در همین راستا است که گفته می‌شود هدف برنامه آزادی دریانوردی این است که «انتظارات کشورهای ساحلی در مورد پذیرش ادعاهایشان، کاهش داده شود».^{۸۴}

۲. برنامه آزادی دریانوردی، رویاروی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

گزار نیست اگر گفته شود که در میان کشورهایی که هدف برنامه آزادی دریانوردی امریکا قرار گرفته‌اند، ایران سرآمد است. در این بخش از تحقیق، چگونگی اجرای برنامه آزادی دریانوردی بر ضد ایران بررسی خواهد شد.

78. The Corfu Channel Case, Judgment of April 9th, 1949, *I.C.J. Reports 1949*, p. 4 at p. 30.

79. Stephens, *op. cit.*, pp. 247 *et seq.*

80. Mandsager, *op. cit.*, p. 121.

81. Stephens, *op. cit.*, p. 245.

82. Mandsager, *loc. cit.*

83. *Ibid.*

84. Ashley Roach and Smith, *op. cit.*, p. 7. See also Aceves, *supra note 10*, fn. 268 and the accompanying text.

۱-۲. قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

آغاز درگیر شدن ایران با برنامه آزادی دریانوردی را باید در تصویب قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان^{۸۵} (از این پس، «قانون مناطق دریایی») جستجو کرد. توضیح اینکه پیش از تصویب قانون مناطق دریایی، ایران قوانین و مقررات گوناگونی را درباره حدود و رژیم مناطق دریایی خود در خلیج فارس و دریای عمان تصویب کرده بود.^{۸۶} قوانین و مقررات یادشده، به همراه اعلامیه تفسیری ایران در هنگام امضای کنوانسیون حقوق دریاها،^{۸۷} در مجموع، اساس رویه دولت ایران را در قبال مسائل حقوقی خلیج فارس و دریای عمان مشخص کرده بود. از سوی دیگر، هم‌زمان با کنفرانس سوم حقوق دریاها در دهه هفتاد میلادی و به دنبال انعقاد کنوانسیون حقوق دریاها در دهه هشتاد میلادی، رویه دولت‌ها شاهد تحولاتی بود که گاه همخوان با کنوانسیون حقوق دریاها و گاه جدا از آن، حقوق دریاها را دگرگون کرده بود. از این‌رو، وزارت امور خارجه در صدد تصویب قانونی جامع برآمد که هم قوانین و مقررات گذشته در سند تقنینی واحد ادغام و هم تحولات جدید حقوق دریاها در آن لحاظ شود. بدین ترتیب، با کوشش گروهی از متخصصین امر، لایحه مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان در سال ۱۳۶۹ تهیه شد و در ۳۱ فروردین ۱۳۷۲ (دوم مه ۱۹۹۳) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، ترجمه انگلیسی و فرانسه متن قانون مناطق دریایی طی یادداشت شماره ۱۵۲ ۶ ژوئیه ۱۹۹۳ نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، به دبیرخانه این سازمان ارسال شد و در دسامبر همان سال، دفتر امور اقیانوسی و حقوق دریاها این دبیرخانه، در شماره ۲۴ بولتن حقوق دریاها آن را منتشر شد.^{۸۸}

اگر دهه هشتاد میلادی دهه تحولات بنیادین در حقوق دریاها بود، اوج برنامه آزادی دریانوردی امریکا نیز در همین دوره بود. به گمان قوی می‌توان گفت از همین مقطع زمانی، دولت امریکا مترصد اجرای برنامه آزادی دریانوردی در مورد ایران بوده است زیرا از یک‌سو، اهمیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس، تنگه هرمز و حتی دریای عمان، همیشه حساسیت شدید

۸۵. مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۲، صص ۹۸ به بعد.

۸۶. برای بررسی قوانین و مقررات اجرایی گوناگونی که قبل از قانون مناطق دریایی درباره مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان تصویب شده بود، ن.ک: سیدعلی‌اصغر کاظمی؛ «ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، صص ۱۸۹ به بعد.

87. Declaration made by the Islamic Republic of Iran upon signature of The United Nations Convention on the Law of the Sea (Declaration of Understanding), *Law of the Sea Bulletin No. 5(1985)*: pp. 13 et seq. [hereinafter, *Iran's Declaration*]

88. Act on the Maritime Areas of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Sea of Oman, *Law of the sea Bulletin, No. 24(1993)*: pp.10 et seq.

امریکا را نسبت به این منطقه برانگیخته است و از سوی دیگر، ایران همواره پیش‌گام و نمونه برجسته کشورهای ساحلی بوده است که در رویه خود، رویکردی بیشینه‌گرا به حقوق دریاها داشته‌اند. در واقع، اختلاف‌های ایران و آمریکا در زمینه حقوق دریاها در زمان کنفرانس سوم حقوق دریاها هویدا شده بود. به طوری که قبلاً ذکر شد، ایران به هنگام امضای کنوانسیون حقوق دریاها در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها، یک اعلامیه تفسیری صادر کرد. در این اعلامیه، مواضع کلیدی ایران در کنفرانس سوم به‌عنوان استنباط از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها صورت‌بندی شده است. در میان محتویات این اعلامیه، دو نکته کلیدی وجود داشت: نخست اینکه از نظر ایران، حق عبور ترانزیت از تنگه‌های بین‌المللی، به شرح مقرر در قسمت سوم کنوانسیون حقوق دریاها، نتیجه «بده‌بستان‌های سیاسی» در کنفرانس بوده و خصیصه قراردادی دارد نه تدوین قاعده عرفی. لذا کشورهایی مانند آمریکا که عضو کنوانسیون حقوق دریاها نیستند، از چنین حقی برخوردار نخواهند بود. دوم اینکه از دید ایران، ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها با لحاظ مواد ۱۹ و ۲۵ این کنوانسیون، دلالت ضمنی بر این دارد که کشورهای ساحلی حق دارند عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی را منوط به اجازه قبلی نمایند. ایران معتقد بود که حقوق عرفی نیز مؤید برداشت فوق است. مواضع مندرج در اعلامیه تفسیری مورد بحث، عیناً در سخنرانی رئیس هیئت نمایندگی ایران در اجلاس نهایی کنفرانس نیز تکرار شده بود.^{۸۹} اما دولت آمریکا طی بیانیه ۸ مارس ۱۹۸۳ که در مقام پاسخ ارائه شد، مواضع ایران و مواضع مشابه کشورهای دیگر را مردود اعلام کرد.^{۹۰} منابع امریکایی، بیانیه اخیرالذکر را اعتراض رسمی آمریکا به ادعاهای دریایی ایران در مورد عبور ترانزیت و عبور بی‌ضرر تلقی کرده‌اند.^{۹۱}

افزون بر این، دولت ایران طی یادداشت ۳۰ آوریل ۱۹۸۷ که از طریق سفارت الجزایر در واشنگتن، به وزارت خارجه ایالات متحده ارسال شد، مجدداً موضع خود را در مورد حق عبور ترانزیت تکرار کرد. این یادداشت، بعد از «تعرض به دریای سرزمینی ایران توسط ناوهای امریکایی» ایفاد شده بود. ایران در یادداشت مذکور، ضمن تکرار موضع و استدلالی که قبلاً در اعلامیه تفسیری درباره حق عبور ترانزیت مطرح کرده بود، به این اقدام آمریکا اعتراض کرد. در پاسخ به این اعتراض، وزارت خارجه آمریکا به‌موجب یادداشت ۱۷ اوت ۱۹۸۷ ضمن رد استدلال ایران، تأکید کرد که رژیم عبور ترانزیت، «ناشی از رویه دیرینه عرفی است» و حتی کشورهایی

۸۹. برای توضیح بیشتر درباره اعلامیه تفسیری منضم به امضای ایران بر کنوانسیون حقوق دریاها، ن.ک: کاظمی؛ همان، صص ۱۶۵ به بعد.

۹۰. United States Statement in Right of Reply dated 8 March 1983, Note by the Secretariat, U.N. Doc A/CONF.62/WS/37 ADD. 1 AND 2, *Official Records of the Third United Nations Conference on the Law of the Sea*, vol. XVII, pp. 243-4.

۹۱. Roach and Smith, *op. cit.*, p. 247.

که عضو کنوانسیون حقوق دریاها نیستند نیز از آن برخوردار می‌شوند.^{۹۲} همچنین به موجب یادداشت دیگری که آن نیز در ۱۷ اوت ۱۹۸۷ تنظیم شده و از طریق سفارت الجزایر در واشنگتن ارسال شد، دولت امریکا مجدداً به مواضع مندرج در اعلامیه تفسیری منضم به امضای ایران در کنوانسیون حقوق دریاها اعتراض کرد.^{۹۳}

با چنین زمینه‌ای بود که قانون مناطق دریایی در ماه مه ۱۹۹۳ تصویب و در دسامبر آن سال در *بولتن حقوق دریاها* منتشر شد. تصویب این قانون، محمل حقوقی را که امریکا در انتظار آن بود فراهم آورد تا برنامه آزادی دریانوردی به‌طور کامل علیه ایران اجرا شود. در پی انتشار قانون مناطق دریایی، هیئت نمایندگی دائم ایالات متحده در سازمان ملل متحد، بی‌درنگ طی یادداشت شماره ۳۵۰۹/۳۳۷ مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۴ (از این پس، «یادداشت اعتراض امریکا») خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، به مفاد این قانون اعتراض کرد.^{۹۴} در این یادداشت اعلام شد که: «ایالات متحده بر این نظر است که برخی از مقررات این قانون، مغایر حقوق بین‌الملل است و ایالات متحده، حقوق خود و اتباع خود را در این‌باره محفوظ می‌دارد».^{۹۵} در یادداشت مزبور، مقرراتی از قانون مناطق دریایی که مورد اعتراض امریکا است، به تفصیل و با ذکر استدلال مشخص شده است که بعداً بررسی خواهد شد. اما نکته دیگری که درخور ذکر است اینکه در پایان یادداشت اعتراض امریکا تأکید شده است که:

«دولت ایالات متحده امریکا به دولت جمهوری اسلامی ایران اطمینان می‌دهد که این اعتراضات به ادعاهای [دریایی ایران] نباید جداکردن جمهوری اسلامی ایران از بقیه برای انتقاد، تلقی شود. [این اعتراض] بخشی از کوشش جهانی [ایالات متحده] برای حفظ حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی در زمینه دریانوردی، پرواز و دیگر کاربردهای دریایی آزاد است. بدین طریق، موازنه منافع که در کنوانسیون [حقوق دریاها] انعکاس یافته، حفظ خواهد شد».^{۹۶}

سپس اضافه شده است که: «این [اعتراض]، تنها یکی از اعتراضات فراوان ایالات متحده علیه ادعاهای دریایی است که با حقوق بین‌الملل بدان گونه که در کنوانسیون حقوق دریاها انعکاس یافته، منطبق نیست».^{۹۷} در واقع، منظور این است که این اعتراض به مواضع دریایی ایران در قانون مناطق دریایی به جهت روابط خصمانه ایران و امریکا نیست.

92. *Ibid.*, p. 295.

93. State Department diplomatic note to the Algerian Embassy in Washington dated Aug. 17, 1987, State Department File No. P87 0098-1262. cited in *Ibid.*, fn. 85 at p. 248 and fn. 85 at p. 295.

94. Protest from the United States of America concerning the legislative acts of the Islamic Republic of Iran of 2 May 1993 and Decree-Law of 21 July 1973, dated 11 January 1994, *Law of the Sea Bulletin*, No. 25(1994): pp. 101 *et seq.* [hereinafter, *United States' Protest Note*]

95. *Ibid.*, p. 101.

96. *Ibid.*, p. 103.

97. *Ibid.*

اما ایران نیز در برابر اعتراض امریکا ساکت نماند. به دنبال انتشار یادداشت ۱۱ ژانویه ۱۹۹۴ امریکا، وزارت امور خارجه ایران، پاسخ نسبتاً مبسوطی به یادداشت امریکا تنظیم کرد که ذیل عنوان «اظهارات جمهوری اسلامی ایران در مورد نظرات دولت ایالات متحده امریکا در خصوص قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۲ مه ۱۹۹۳» (از این پس، «پاسخ ایران») به ضمیمه یادداشت ۲۴ مه ۱۹۹۴ هیئت نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد، به دبیرخانه این سازمان ارسال و در شماره ۲۶ بولتن حقوق دریاه منتشر شد.^{۹۸}

۲-۲. موارد اعتراض امریکا به قانون مناطق دریایی و پاسخ ایران

به طوری که قبلاً اشاره شد، در یادداشت اعتراض امریکا به قانون مناطق دریایی، تفصیلاً آن بخش از مواد و مقررات این قانون که مورد ایراد امریکا است، مشخص شده است. در واقع، مقررات مذکور، حاوی ادعاهای دریایی است که از ناحیه ایران در مورد خلیج فارس و دریای عمان انشا شده است اما دولت امریکا نسبت به این ادعاها اعتراض داشته و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. به طبع، برنامه آزادی دریانوردی علیه همین مواضع ایران به مورد اجرا گذارده می‌شود. پس ذیلاً موارد اعتراض امریکا به قانون مناطق دریایی و پاسخ‌های ایران بررسی خواهد شد.

الف. خطوط مبدأ مستقیم

نخستین اعتراض امریکا ناظر به خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و دریای عمان است. می‌دانیم که خط مبدأ، خطی است که عرض دریای سرزمینی و دیگر مناطق دریایی از آن اندازه‌گیری می‌شود. ایران به موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران به شماره ۶۷-۲/۲۵۰ مورخ ۱۳۵۲/۴/۳۱^{۹۹} یک سیستم خطوط مبدأ مستقیم تعیین کرده است که سرتاسر سواحل ایران در خلیج فارس، بخشی از تنگه هرمز و دریای عمان را در بر می‌گیرد. به موجب ماده ۳ قانون مناطق دریایی: «خط مبدأ دریای سرزمینی در خلیج فارس و دریای عمان همان است که در تصویب‌نامه هیئت وزیران به شماره ۶۷-۲/۲۵۰ مورخ ۱۳۵۲/۴/۳۱ تعیین شده است...»^{۱۰۰}

98. Comments of the Islamic Republic of Iran concerning the viewpoints of the Government of the United States of America regarding the Act on Marine Areas of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Oman Sea of 2 May 1993, note verbale of 24 May 1994, Law of the Sea Bulletin No. 26 (1994): pp. 35 et seq. [hereinafter, *Iran's Comments*]

99. روزنامه رسمی، ۲۵۲۵، صص ۵۷ به بعد.

100. برای توضیح بیشتر درباره خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، ن.ک: ساسان صیرفی؛ «حقوق بین‌الملل عرفی خط مبدأ مناطق دریایی؛ با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، صص ۵۵۲ به بعد.

به عقیده امریکا، خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در این خصوص میبایست دارد. به دلالت ماده ۵ کنوانسیون مذکور، اصل بر این است که خط مبدأ دریای سرزمینی «... خط فروکشند (جزر) در امتداد ساحل است...» که خط مبدأ عادی نامیده می‌شود. به موجب ماده ۷ این کنوانسیون، کاربرد روش خط مبدأ مستقیم در مواردی مجاز است که خط ساحل، یا عمیقاً مضرس یا بریده باشد یا زنجیره‌ای از جزایر حاشیه‌ای در امتداد ساحل و نزدیک به آن وجود داشته باشد. از نظر امریکا: «به‌رغم اینکه خط ساحلی ایران فقط در موارد نادر، عمیقاً مضرس یا دارای جزایر حاشیه‌ای است» ایران در امتداد قسمت اعظم خط ساحلی خود، خطوط مبدأ مستقیم به کار برده و این در حالی است که «خط ساحلی، در نزدیکی بیشتر پاره‌خطها کاملاً صاف است. در نتیجه، خط مبدأ مناسب برای تقریباً تمام ساحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان، خط مبدأ عادی [یعنی] خط فروکشند (جزر) است». افزون بر این از دید امریکا، طول هر پاره‌خط مستقیم نباید بیش از ۲۴ مایل دریایی باشد، درحالی‌که ۱۱ پاره‌خط از مجموع ۲۱ پاره‌خط تشکیل‌دهنده سیستم خطوط مبدأ مستقیم ایران بین ۳۰ تا ۱۲۰ مایل دریایی طول دارد.^{۱۱}

ایران، اعتراض امریکا به خطوط مبدأ مستقیم خود را نپذیرفته و بر اعتبار آن اصرار دارد. ایران موضع خود را با چند استدلال توجیه می‌کند که می‌توان آن‌ها را بدین گونه تلخیص کرد: نخست اینکه تصویب‌نامه مربوط به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، بیست سال قبل تصویب و به طریق مقتضی در سطح بین‌المللی منتشر شده بود اما در طی بیست سال از ناحیه دولت امریکا اعتراضی نسبت به آن به عمل نیامده بود و «جمهوری اسلامی ایران، این امر را به مثابه به‌رسمیت شناخته‌شدن محتوای [تصویب‌نامه] می‌داند». دوم اینکه «کاربرد خطوط مبدأ، مستقیم، یک اقدام غیرعادی نیست چه اینکه دیگر کشورها در شرایط مشابه، همین روش را به کار برده‌اند». به عبارت دیگر، ایران نحوه بهره‌گیری خود از خطوط مبدأ مستقیم را همخوان و همساز با رویه کلی کشورهای ساحلی در این خصوص می‌داند. سوم اینکه در کنوانسیون حقوق دریاها، ضوابط عینی برای تشخیص وجود شرایط جغرافیایی مقرر در ماده ۷ وجود ندارد و از نظر ایران، به‌ویژه از لحاظ عدم انحراف خطوط مبدأ مستقیم از جهت کلی ساحل، مغایرتی بین عملکرد ایران و مقررات این کنوانسیون وجود ندارد. سرانجام اینکه ایران به‌درستی معتقد است که ادعای امریکا مبنی بر اینکه طول هر پاره‌خط نباید بیش از ۲۴ مایل دریایی باشد، هیچ مبنایی در کنوانسیون حقوق دریاها یا حقوق بین‌الملل عرفی

۱۰۱. برای توضیح بیشتر درباره اعتراضات امریکا به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، ن.ک: همان، صص ۵۶۷

ب. آب‌های واقع بین جزایر متعلق به ایران

به‌موجب قسمت اخیر بند دوم ماده ۳ قانون مناطق دریایی: «آب‌های واقع بین جزایر متعلقه به ایران که فاصله آن‌ها از یکدیگر از دو برابر عرض دریای سرزمینی تجاوز نکند، جزو آب‌های داخلی محسوب و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد». از نظر دولت امریکا «این ادعا هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد»^{۱۰۳} زیرا جزیره فقط در صورتی می‌تواند برای تعیین آب‌های داخلی به کار رود که «بخشی از یک سیستم خطوط مبدأ مستقیم معتبر یا خط محصورکننده خلیج باشد».^{۱۰۴} پاسخ دولت ایران به این اعتراض امریکا این است که مقررات مذکور در قسمت اخیر بند دوم ماده ۳ قانون مناطق دریایی، قبلاً در قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ و قانون اصلاح قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت مصوب ۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۳۸ آمده بود و قانون مناطق دریایی، تنها عرض جدید دریای سرزمینی را لحاظ کرده است.^{۱۰۵} در بند دوم ماده ۳ قانون مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳ چنین آمده است: «درمورد مجمع‌الجزایر، از جزایری که آن را تشکیل می‌دهد، در حکم جزیره واحد محسوب می‌شود و مساحت آب‌های ساحلی مجمع‌الجزایر، از جزایری محسوب می‌شود که از همه دورتر از مراکز مجمع‌الجزایر واقع باشند»^{۱۰۶} و در بند دوم ماده ۵ قانون مصوب ۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۳۸ آمده است که: «جزایری که به فاصله کمتر از ۱۲ میل دریایی از هم واقع‌اند مجموعاً در حکم جزیره واحدی بوده و حد دریای ساحلی آن از جزایری محسوب می‌شود که نسبت به مرکز مجمع‌الجزایر از همه دورترند».^{۱۰۷}

اما ایران مشخص نکرده است که با تمسک به پیشینه بند دوم ماده ۳ قانون مناطق دریایی از حیث تاریخچه قانونگذاری، در صدد اثبات چیست؟ آیا ایران مدعی است که چون امریکا به قوانین قبلی ایران اعتراض نداشته است، این سکوت به منزله شناسایی ضمنی موضع ایران در این خصوص بوده و لذا وضع ناشی از آن در برابر امریکا قابل استناد است؟ پاسخ ایران در این زمینه مبهم است.

۱۰۲. برای توضیح بیشتر درباره پاسخ ایران به اعتراض امریکا درمورد خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، ن.ک: همان، صص ۵۶۹ به بعد.

103. *United States' Protest Note*, p. 101.

104. *Ibid.*

105. *Iran's Comments*, pp. 36-7.

۱۰۶. روزنامه رسمی، ۱۳۱۳، ص ۱۵.

۱۰۷. روزنامه رسمی، ۱۳۳۸، ص ۳.

ج. عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی از دریای سرزمینی

ایران از گذشته‌های دور بر این موضع بوده است که عبور بی‌ضرر ناوهای جنگی خارجی از دریای سرزمینی، منوط به اطلاع یا اجازه قبلی است.^{۱۰۸} در خلال کنفرانس سوم حقوق دریاها، مسئله اجازه قبلی برای عبور کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی از مسائل بحث‌انگیز و جدل‌آمیز بود و ایران در بین کشورهایی که خواستار اجازه قبلی برای عبور ناوهای جنگی از دریای سرزمینی بودند - معروف به گروه ۲۷ - نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد.^{۱۰۹} همچنین، به‌طوری‌که قبلاً بیان شد، یکی از مواضع کلیدی ایران در اعلامیه تفسیری منضم به امضای کنوانسیون حقوق دریاها، در همین زمینه بود. طبق بند دوم اعلامیه مذکور، ایران معتقد است که اولاً، منوط‌شدن عبور بی‌ضرر ناوهای خارجی به کسب اجازه یا اطلاع قبلی از نظر حقوق بین‌الملل عرفی مجاز است. ثانیاً، ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها، با لحاظ مواد ۱۹ و ۲۵ این کنوانسیون، به‌طور ضمنی حق کشورهای ساحلی را برای اتخاذ اقدامات لازم جهت حفظ منافع امنیتی آن‌ها به رسمیت می‌شناسد و این اقدامات «شامل تصویب قوانین و مقررات، از جمله راجع به شرط اجازه قبلی برای عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی» می‌شود.^{۱۱۰} البته دولت امریکا نیز به شرحی که گذشت، طی بیانیه ۸ مارس ۱۹۸۳ و سپس یادداشت ۳۰ آوریل ۱۹۸۷ موضع ایران را مردود دانسته بود.^{۱۱۱}

دولت ایران نه‌تنها موضع خود درباره عبور کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی را در قانون مناطق دریایی تکرار کرده، بلکه آن را توسعه داده است. در ماده ۹ قانون مذکور چنین آمده است: «عبور شناورهای جنگی، زیردریایی‌ها، شناورهای با سوخت هسته‌ای و هر نوع وسیله غوطه‌ور دیگر و همچنین شناورها و زیردریایی‌های حامل مواد اتمی یا خطرناک و یا زیان‌آور برای محیط‌زیست و شناورهای تحقیقاتی خارجی از دریای سرزمینی، منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود...». چنانکه ملاحظه می‌شود، علاوه بر ناوهای جنگی، طیف وسیعی از شناورهای خارجی، از شناورهای با سوخت هسته‌ای گرفته تا شناورهای تحقیقاتی، مکلف شده‌اند برای عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی ایران از مقامات ایرانی کسب اجازه قبلی کنند. به‌طبیع، این ماده از اعتراض امریکا مصون نمانده است. یادداشت اعتراض امریکا ضمن اشاره به مفاد ماده مورد بحث، تأکید می‌کند که: «این شرط، هیچ مبنایی در مقررات

۱۰۸. ماده ۲ آیین‌نامه مربوط به عبور و توقف کشتی‌های جنگی خارجی در بنادر و آب‌های ایران، مصوب ۷ شهریورماه ۱۳۱۳، کاظمی، همان، صص ۱۹۴ به بعد.

۱۰۹. برای توضیح بیشتر درباره نقش ایران در کنفرانس سوم حقوق دریاها در پیوند با موضوع عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی، همان، صص ۸۵ به بعد.

110. Iran's Declaration, p. 14.

111. Roach and Smith, *op. cit.*, text accompanying fn. 85 at p. 248.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ندارد و ایالات متحده، هرگونه کوشش برای تحمیل چنین شرطی بر عبور بی‌ضرر کشتی‌ها از دریای سرزمینی را، به لحاظ مغایرت با حقوق بین‌الملل، رد می‌کند.^{۱۱۲}

پاسخ ایران در این خصوص تا اندازه‌ای مبهم است. در پاسخ ایران، به مسئله عبور ناوهای جنگی از دریای سرزمینی اشاره صریحی نمی‌شود. با این حال، پس از طرح این استدلال که تمام مقررات کنوانسیون حقوق دریاها خصیصه عرفی ندارند، به بیانیه ۲۶ آوریل ۱۹۸۲ رئیس کنفرانس سوم حقوق دریاها اشاره شده است.^{۱۱۳} مختصر اینکه در خلال اجلاس یازدهم کنفرانس، گروه ۲۷ موافقت کرد برای کمک به روند مثبت کنفرانس، از به‌رأی گذاشته‌شدن آخرین اصلاحیه خود انصراف دهد و متقابلاً رئیس کنفرانس، طی بیانیه مذکور اعلام کرد که این تصمیم گروه ۲۷ به حق کشورهای ساحلی برای اتخاذ تدابیر لازم جهت حفظ منافع امنیتی آنان، لطمه‌ای وارد نمی‌آورد.^{۱۱۴} ظاهراً مقصود ایران این است که موضع مندرج در اعلامیه تفسیری خود را مجدداً تکرار و تأیید کند. از دیگر سو، در جای دیگری از پاسخ ایران تلویحاً چنین آمده است که مشروط‌شدن عبور دیگر انواع کشتی‌ها از دریای سرزمینی به اجازه قبلی، به‌منظور حفاظت محیط‌زیست دریایی بوده است.^{۱۱۵} گمان این است که این استدلال با لحاظ بند (و) ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها مطرح شده است.

اما اعتراض آمریکا در پیوند با عبور بی‌ضرر، به موارد بالا محدود نمی‌شود. به دلالت ماده ۸ قانون مناطق دریایی: «... دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند عبور و توقف کلیه شناورهای خارجی را در قسمت‌هایی از دریای سرزمینی به حالت تعلیق درآورد». اما یادداشت اعتراض آمریکا با اشاره به بند ۳ ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق دریاها تأکید دارد که کشور ساحلی تنها می‌تواند عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی از دریای سرزمینی خود را به‌طور موقت و در منطقه‌ای مشخص معلق کند و تعلیق، تنها بعد از انتشار مناسب، قابل اجراست.^{۱۱۶} در خصوص این نکته، اظهار عقیده‌ای در پاسخ ایران مشاهده نمی‌شود.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت، مسئله حق عبور ترانزیت ناوهای خارجی از دریای سرزمینی ایران در تنگه هرمز است. قبلاً توضیح داده شد که پس از کنفرانس سوم حقوق دریاها، موضع ایران این بود که حق عبور ترانزیت از تنگه‌های مورد کاربرد دریانوردی بین‌المللی، از جمله تنگه هرمز، منحصر به کشورهایی است که عضو کنوانسیون حقوق دریاها باشند و این اتخاذ

112. *United States' Protest Note*, p. 102.

113. *Iran's Comments*, pp.35-6.

۱۱۴. برای توضیح، ن.ک: کاظمی؛ همان، صص ۸۷ به بعد

115. *Iran's Comments*, p. 37.

116. *United States' Protest Note*, p. 102.

موضع، زمینه‌ساز حادثه ۱۹۸۷ شد که به یادداشت اعتراض ۳۰ آوریل ۱۹۸۷ ایران انجامید که به‌نوبه خود، پاسخ امریکا و یادداشت ۱۷ اوت ۱۹۸۷ این دولت را در پی داشت که در آن به موضع ایران در خصوص عبور ترانزیت، مجدداً اعتراض شده بود. اما نکته اینجاست که در قانون مناطق دریایی، هیچ‌ذکری از مسئله عبور ترانزیت وجود ندارد. اینک پرسش این است که آیا مسکوت‌ماندن این مسئله در قانون مناطق دریایی به‌منزله عدول ایران از ادعای خود درباره عبور ترانزیت است؟ پاسخ قطعی دشوار است.

د. منطقه نظارت

منطقه نظارت، منطقه‌ای دریایی متعلق به کشور ساحلی است که مجاور دریای سرزمینی به عرض ۲۴ مایل دریایی ایجاد می‌شود. به دلالت ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق دریاها، هر کشور ساحلی می‌تواند به‌منظور جلوگیری از نقض قوانین و مقررات آن کشور در قلمرو خشکی یا آب‌های سرزمینی و نیز تعقیب و مجازات تخلف از قوانین و مقررات خود، تدابیر لازم را اتخاذ کند. این صلاحیت‌ها در بند (ب) ماده پیش‌گفته تعیین شده است. این موارد عبارت‌اند از: «قوانین و مقررات گمرکی، مالی، مهاجرتی یا بهداشتی». اما درمقابل، در ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی چنین آمده است: «به‌منظور پیشگیری از نقض قوانین و مقررات کشور، از جمله مقررات امنیتی، گمرکی، دریایی، مالی، مهاجرتی، بهداشتی، زیست‌محیطی و تعقیب و مجازات متخلفین، دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نظارت، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت». به‌طبع این نکته نیز مورد اعتراض امریکا واقع شده است. یادداشت اعتراض امریکا پس از یادآوری مفاد ماده اخیرالذکر کنوانسیون حقوق دریاها اشعار می‌دارد که: «این ادعا در ماده ۱۳ قانون ۱۹۹۳ که اتخاذ اقدامات لازم در منطقه نظارت جمهوری اسلامی ایران به‌منظور جلوگیری از نقض مقررات امنیتی، دریایی و زیست‌محیطی [مجاز است]، فراتر از آن است که حقوق بین‌الملل مجاز می‌داند».^{۱۱۷} در پاسخ ایران، اشاره‌ای به این اعتراض امریکا دیده نمی‌شود.

آنچه بیش از همه در ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی مورد انتقاد امریکاست، قید «امنیتی» در این ماده است. از نظر امریکا این قید، منطقه نظارت ایران را تبدیل به منطقه امنیت کرده است و «حقوق بین‌الملل، حق تشکیل منطقه امنیت را که بیرون از دریای سرزمینی در زمان صلح، آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد را محدود می‌سازد، به‌رسمیت نمی‌شناسد».^{۱۱۸}

117. *Ibid.*

118. United States Department of State, Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs, Pub No. 114, *Limits in Seas: Iran's Maritime Claims* (1994), p. 18. [hereinafter, *Limits in the Seas No. 114*]

هـ منطقه انحصاری اقتصادی

دیگر اعتراض امریکا مربوط به مقرراتی است که در قانون مناطق دریایی درباره منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان وضع شده است. مقررات مورد اعتراض امریکا ناظر به سه زمینه مشخص است. نخست اینکه به موجب جزء (۱) بند (ب) ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی، ایران صلاحیت «احداث و استفاده از جزایر مصنوعی و سایر تأسیسات و بناها و تعبیه کابل و لوله‌های زیردریایی و تعیین حریم‌های امنیتی و ایمنی مربوط» را برای خود مقرر کرده است. به موجب جزء (۱) بند (ب) ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاهای هر کشور ساحلی از صلاحیت «احداث و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌ها» در منطقه انحصاری اقتصادی خود برخوردار است. همچنین به موجب بندهای ۴ تا ۶ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاهای هر کشور ساحلی می‌تواند پیرامون این قبیل جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌ها «حریم ایمنی»^{۱۱۹} ایجاد کند اما شعاع دایره این حریم نباید بیش از ۵۰۰ متر باشد. آنچه باعث اعتراض دولت امریکا شده، عبارت «حریم‌های امنیتی» در جزء (۱) بند (ب) ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی است. از نظر امریکا این عبارت به ایران حق ایجاد منطقه امنیت در منطقه انحصاری اقتصادی می‌دهد. یادداشت اعتراض امریکا پس از یادآوری مفاد بندهای ۴ و ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاهای تأکید دارد که «حقوق بین‌الملل به کشور ساحلی اجازه نمی‌دهد که در این مناطق، به اصطلاح منطقه امنیت تشکیل دهد. [اما] ماده ۱۴(ب) قانون ۱۹۹۳ مناطق دریایی، به‌طور غیرمجاز این حق را [برای ایران] قائل شده است».^{۱۲۰} در پیوند با این نکته در پاسخ ایران چنین آمده است که با توجه به تعداد فراوان سکوهای نفتی و حجم آمدوشد کشتی‌ها در منطقه، «ایجاد حریم [ایمنی] کاملاً برای امنیت تأسیسات و همچنین دریانوردی بین‌المللی ضروری است».^{۱۲۱} اما درباره اینکه عبارت «حریم امنیتی» در جزء (۱) بند (ب) ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی به چه معناست و چه توجیه حقوقی دارد، اشاره‌ای در پاسخ ایران دیده نمی‌شود.

دوم اینکه به موجب جزء (۲) بند (ب) ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی، دولت ایران صلاحیت وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب درباره «انجام هرگونه پژوهش» در منطقه انحصاری اقتصادی ایران را به خود اختصاص داده است. طبق جزء (۲) بند (ب) ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاهای هر کشور ساحلی از صلاحیت «تحقیقات علمی دریایی»^{۱۲۲} در منطقه انحصاری اقتصادی برخوردار است. از این حیث جزء (۲) بند (ب) ماده ۱۴ قانون مناطق دریایی مورد اعتراض امریکا

119. Safety Zone

120. *United States' Protest Note*, p. 102.

121. *Iran's Comments*, p. 37.

122. Marine Scientific Research

است. به عقیده دولت امریکا، «حقوق بین‌الملل به کشور ساحلی اجازه می‌دهد تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی خود را تنظیم کند نه «هرگونه پژوهش» را آن‌گونه که ماده ۱۴ (ب) (۲) قانون ۱۹۹۳ مناطق دریایی ادعا کرده است».^{۱۲۳} سپس دولت امریکا دغدغه اصلی خود در این زمینه را مطرح می‌کند؛ بدین بیان که «به‌ویژه، نقشه‌برداری‌های هیدروگرافی که خارج از دریای سرزمینی انجام می‌شود، تحقیقات علمی دریایی تلقی نشده و مشمول صلاحیت کشور ساحلی نیست».^{۱۲۴} در واقع اعتراض امریکا در این زمینه متکی به تفسیری است که امریکا از عبارت «تحقیقات علمی دریایی» جزء (۲) بند (ب) در ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاها ارائه می‌کند. توضیح اینکه عبارت یادشده در کنوانسیون حقوق دریاها تعریف نشده است اما از نظر دولت امریکا، «فعالیت‌هایی مانند نقشه‌برداری هیدروگرافی که منظور از انجام آن، فراهم‌سازی اطلاعات برای تهیه نقشه‌های دریایی است، و نیز گردآوری اطلاعاتی ... که برای اهداف نظامی به کار می‌رود، از نظر ایالات متحده، تحقیقات علمی دریایی محسوب نمی‌شود و لذا مشمول صلاحیت کشور ساحلی نیست».^{۱۲۵} ایران در مقام پاسخ با اشاره تلویحی به بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۴۶ کنوانسیون حقوق دریاها - که تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی را منوط به رضایت کشور ساحلی می‌کنند - به بند ۳ ماده اخیرالذکر استناد می‌کند که مقرر می‌دارد حتی وقتی تحقیقات علمی در شرایط عادی و به‌منظور افزایش آگاهی علمی از پهنه دریاها به نفع کل بشریت انجام شود، باز هم مسئله در صلاحیت کشور ساحلی است که تنها موظف است بدون تأخیر اعلام رضایت کند. حاصل اینکه از نظر ایران، «تحقیقات هیدروگرافی ... نیازمند مجوز کشور ساحلی است».^{۱۲۶}

سومین موضوع مورد اعتراض امریکا در پیوند با منطقه انحصاری اقتصادی، ناظر به فعالیت نظامی و گردآوری اطلاعات در منطقه مذکور است. به‌موجب ماده ۱۶ قانون مناطق دریایی: «انجام فعالیت‌ها و تمرینات نظامی بیگانه، جمع‌آوری اطلاعات و هرگونه عملی که با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره منافات داشته باشد، ممنوع است». در یادداشت اعتراض امریکا درباره ماده یادشده چنین آمده است که: «ایالات متحده یادآور می‌شود که تا جایی که ماده ۱۶ قانون ۱۹۹۳ مناطق دریایی در صدد است اعمال آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای آزاد از سوی ناوهای جنگی و هواگردهای نظامی را در منطقه انحصاری اقتصادی ایران منع کند، مغایر حقوق بین‌الملل

123. *United States' Protest Note*, p. 103.

124. *Ibid.*

125. *Limits in the Seas No. 114*, p. 20.

126. *Iran's Comments*, p. 37.

است.^{۱۲۷} دولت امریکا تأکید می‌کند: «ایالات متحده قبلاً به ادعای جمهوری اسلامی ایران در این خصوص اعتراض کرده است و [در آینده] کشتی‌ها و هواپیماهای خود را منطبق با حقوق خود [در منطقه انحصاری اقتصادی ایران] به کار خواهد گرفت».^{۱۲۸} پاسخ ایران به این اعتراض امریکا این‌گونه است که با توجه به تعدد فعالیت‌های اقتصادی در منطقه انحصاری اقتصادی، «ممکن است این فعالیت‌ها ... در اثر تمرینات یا رزمایش‌های نظامی آسیب ببیند. لذا چنین فعالیت‌هایی ... ممنوع است».^{۱۲۹} ملاحظه می‌شود که پاسخ مجمل ایران، ناظر به علت وضع ماده ۱۶ قانون مناطق دریایی است نه مبنای حقوقی آن بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها یا رویه دولت‌ها. درهرحال، باید در نظر داشت که آنچه در ماده فوق درباره منطقه انحصاری اقتصادی مقرر شده، بخشی از رویه‌ای است که طی سه دهه به‌طور روزافزون از سوی کشورهای ساحلی اتخاذ شده است. بررسی رویه کشورهای ساحلی در این خصوص نشان می‌دهد که تعداد فزاینده‌ای از آنها انجام فعالیت نظامی به‌ویژه تمرینات نظامی و همچنین گردآوری اطلاعات را در منطقه انحصاری اقتصادی خود ممنوع کرده‌اند.^{۱۳۰}

۲-۳. اقدامات عملیاتی علیه ایران

بر اساس مندرجات کتاب راهنمای ادعاهای دریایی وزارت دفاع امریکا، نخستین اقدام عملیاتی علیه ایران در سال ۱۹۸۹ انجام شد. این اقدام عملیاتی به‌منظور رد و تخدیش به موضع ایران مبنی بر لزوم کسب اجازه قبلی جهت عبور بی‌ضرر ناوهای جنگی از دریای سرزمینی انجام گرفت.^{۱۳۱} ظاهراً فرض دولت امریکا این بود که بیانیه ۸ مارس ۱۹۸۳ امریکا و سپس یادداشت ۳۰ آوریل ۱۹۸۷ این کشور، محمل قانونی لازم را برای انجام این اقدام عملیاتی فراهم کرده بود.^{۱۳۲} چرا که طی این دو سند، به شرحی که گذشت، به موضع کلی ایران در خصوص اجازه قبلی برای عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی اعتراض شده بود.

اما بعد از اعتراض به قانون مناطق دریایی در سال ۱۹۹۴ است که به‌زعم امریکا زمینه حقوقی لازم برای اقدام عملیاتی علیه مواضع دریایی ایران فراهم می‌شود. به‌طوری‌که در جدول شماره ۱

127. *United States' Protest Note*, p. 103.

128. *Ibid.*

129. *Iran's Comments*, p.38.

130. Klein, Natalie, *Maritime Security and the Law of the Sea*, Oxford University Press, 2011, pp. 43 et seq. and pp. 211 et seq.

131. Undersecretary of Defense for Policy, Department of Defense, *Maritime Claims Reference Manual (DOD 2005.1-M)*, reissued under the authority of DoD Instruction C-2005.1 dated 23 June 2005, p. 302. Available at: <<http://www.dtic.mil/whs/directives/corres/html/20051m.htm>> [Last Visited: 5 August, 2014].

132. *Ibid.*

ملاحظه می‌شود، از نیمه دهه نود میلادی تاکنون، اقدامات عملیاتی علیه ایران، گسترش چشمگیری یافته است. در واقع، بر اساس آنچه بعد از تقدیم گزارش برنامه دریانوردی سال ۲۰۱۳ اعلام شد، تاکنون بیشترین تعداد اقدام عملیاتی علیه ایران انجام شده است به طوری که از ۲۱ فهرست سالانه منضم به گزارش‌های برنامه آزادی دریانوردی، نام ایران در ۱۹ فهرست قید شده است.^{۱۳۳} باید توجه داشت که حداقل از سال ۲۰۰۴ به بعد، هر سال چندین اقدام عملیاتی علیه ایران انجام شده است.

بررسی موارد اقدام عملیاتی علیه ایران نشان می‌دهد که تاکنون این اقدامات در چهار زمینه انجام پذیرفته است: نخست، اجازه قبلی برای عبور کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی ایران. چنانچه اقدامات عملیاتی انجام شده قبل از اعتراض رسمی امریکا به قانون مناطق دریایی را لحاظ شود، تا سال ۲۰۱۵ حداقل ۱۰ اقدام عملیاتی در این خصوص انجام شده است. دوم، خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و دریای عمان. در سال‌های بعد از اعتراض امریکا به قانون مناطق دریایی، بیشترین تعداد اقدام عملیاتی درباره خطوط مبدأ مستقیم ایران انجام شد.^{۱۳۴} شمار این اقدامات تا سال ۲۰۱۵ حداقل ۹ مورد بود. سوم، محدود شدن عبور ترانزیت از تنگه هرمز. همان گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در سال‌های اخیر، شمار اقدامات عملیاتی در این خصوص، افزایش محسوسی داشته است به طوری که به نظر می‌رسد، تمرکز اقدامات عملیاتی علیه ایران از مسئله خطوط مبدأ مستقیم به مسئله عبور ترانزیت از تنگه هرمز تغییر یافته است. این اقدامات عملیاتی نشان می‌دهد که دولت امریکا موضع ایران در مورد محدود شدن عبور ترانزیت به اعضای کنوانسیون حقوق دریاها را پابرجا تلقی می‌کند. تا سال ۲۰۱۵ حداقل ۱۰ مورد اقدام عملیاتی در این خصوص انجام شد. چهارم، ممنوع شدن فعالیت‌های نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی. به طوری که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، اقدامات عملیاتی در این خصوص در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ انجام شده است و این نشانگر آن است که امریکا در سال‌های اخیر به این مسئله توجه پیدا کرده است.

133. Alexander, David, "U.S. Freedom of Navigation Operations in 2013 Targeted China, Iran", *Reuters News Agency*, March 6, 2014 Available at: <<http://www.reuters.com/article/2014/03/06/us-usa-defense-navy-idUSBREA2508920140306>> [Last Visited: 19 August, 2014].

لازم به ذکر است که بر اساس ضمیمه گزارش برنامه آزادی دریانوردی سال ۲۰۱۴، در این سال نیز اقدامات عملیاتی علیه ایران انجام شد که در آمارهای مندرج در این مقاله لحاظ شده است.

۱۳۴. برای توضیح بیشتر در این باره ن.ک: امیرحسین رنجبریان و ساسان صیرفی؛ «بررسی خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اعتراض کشورهای دیگر به آن»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۸، بهار - تابستان ۱۳۹۲، صص ۵۸ به بعد.

موضوع اقدام عملیاتی				سال اقدام عملیاتی
ممنوع‌شدن فعالیت نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی	محدودشدن عبور ترانزیت از تنگه هرمز به اعضای کنوانسیون حقوق دریاها	خطوط مبدأ مستقیم در خلیج فارس و دریای عمان	مشروط‌شدن عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی به اجازه قبلی	
			•	۱۹۸۹
				۱۹۹۰
				۱۹۹۱
			•	۱۹۹۲
			•	۱۹۹۳
				۱۹۹۴
			•	۱۹۹۵
		•	•	۱۹۹۶
		•	•	۱۹۹۷
		•	•	۱۹۹۸
		•	•	۱۹۹۹
		•		۲۰۰۰
				۲۰۰۱-۲۰۰۳
		•		*۲۰۰۴
	•			*۲۰۰۵
	•			*۲۰۰۶
	•			*۲۰۰۷
	•	•		*۲۰۰۸
	•			*۲۰۰۹
	•			*۲۰۱۰
	•		•	*۲۰۱۱
•	•			*۲۰۱۲
•	•	•		*۲۰۱۳
•	•	•		*۲۰۱۴

جدول ۱: اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی علیه ایران

این جدول بر اساس گزارش‌های مربوط به برنامه آزادی دریانوردی به کنگره امریکا تهیه شده است
 نشانه (*) مبین این است که در آن سال بیش از یک اقدام عملیاتی انجام شده است

۲-۴. راهکارهای فراخور برای واکنش به اقدامات عملیاتی

نظر به آنچه گفته شد، اینک این مسئله مطرح است که چگونه باید به اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی واکنش نشان داد؟ اما قبل از بررسی این مسئله، نخست باید به این پرسش پاسخ داد که آیا اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، اساساً از نظر حقوق بین‌الملل دارای وجهه قانونی است؟ به طوری که توضیح داده شد، هر دولت حق دارد که به هر اقدام یا ادعای دولت‌های دیگر که آن را مغایر حقوق بین‌الملل و منافی منافع خود می‌داند، اعتراض کند. اما اعتراض، تنها دلالت بر این دارد که دولت معترض، مشروعیت قانونی ادعا یا اقدام مورد اعتراض را به رسمیت نشناخته و بدان رضایت ضمنی نداده است. در واقع، اگر بعد از اعتراض، دولت اعتراض‌شونده بر موضع خود بماند - چنانکه ایران بعد از اعتراض امریکا بر مواضع دریایی خود مانده است - اینجا بین طرفین، اختلاف بین‌المللی محقق شده است. از سوی دیگر، به موجب منشور ملل متحد، تمام اعضای سازمان ملل متحد، متعهدند اولاً، در روابط بین‌المللی خود از توسل به تهدید یا کاربرد زور بر ضد تمامیت سرزمینی (شامل قلمرو دریایی و فضای هوایی بالای آن) هر کشور خودداری کنند (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) و ثانیاً، اختلافات بین‌المللی خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند. (بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد) این دو تعهد در زمینه حقوق دریاها، به ترتیب به موجب ماده ۳۰۱ و قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها تحکیم شده است، هرچند ایران و امریکا عضو این کنوانسیون نیستند. واضح است که اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی با این دو اصل بنیادین حقوق بین‌الملل، مبیانت دارد. افزون بر این، دکترین استیفای حقوق، به شرح گذشته نیز برای توجیه این اقدامات، درخور پذیرش نیست زیرا این دکترین در صورتی قابل استناد است که یک دولت با توسل به زور، مانع از این شود که دولت دیگری حقوق خود را استیفا کند، نه اینکه در هر مورد که درباره حقی بین دو دولت اختلاف حاصل شد، بتوان به استناد این قاعده، متوسل به زور شد.^{۱۳۵}

اما در مورد واکنش به اقدامات عملیاتی، به نظر چنین می‌رسد که باید از دو دیدگاه توسل به زور و اعتراض دیپلماتیک به این مسئله نگریست. از دیدگاه توسل به زور باید بین دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی قائل به تفکیک شد. در مواردی که اقدام عملیاتی را ناو جنگی، درون دریای سرزمینی انجام دهد، قاعداً این اقدام، نوعی «عبور غیربی‌ضرر»^{۱۳۶} تلقی می‌شود. (باید توجه داشت که ایران و امریکا در مورد خط مبدأ دریای سرزمینی ایران با یکدیگر

۱۳۵. برای تفصیل درباره نقد حقوقی اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، ن.ک.: Aceves, *supra* note 10, pp. 316 et seq.

و برای پاسخ به ایرادات مطرح‌شده در منبع مذکور، ن.ک.: Stephens, *op. cit.*, pp. 247 et seq.

اختلاف دارند. لذا ممکن است اقدام عملیاتی در ناحیه‌ای انجام شود که از نظر ایران، جزو دریای سرزمینی ایران و از نظر امریکا در حکم دریای آزاد است). در این صورت، به حکم بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق دریاها، ایران می‌تواند «برای جلوگیری از عبوری که بی‌ضرر نیست، اقدامات لازم را در دریای سرزمینی خود به‌عمل آورد». قید «اقدامات لازم» در اینجا دلالت بر تجویز کاربرد زور دارد. به بیان دیگر، اقدام به عبور غیربی‌ضرر از دریای سرزمینی به کشور ساحلی این حق را اعطا می‌کند که با توسل به زور، کشتی خاطی را وادار به خروج از دریای سرزمینی کند. البته از آنجایی که وصف عنوانی این توسل به زور، دفاع مشروع است، دو شرط ضرورت و تناسب باید رعایت شود. در همین راستا باید تأکید کرد که توسل به زور باید در حد واداشت کشتی مجری اقدام عملیاتی به خروج از دریای سرزمینی باشد و توقیف یا ورود به عرشه کشتی جنگی ممنوع است. نظر نزدیک به احتیاط این است که در این مورد نیز با اخذ ملاک از ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق دریاها باید ابتدائاً به کشتی موردنظر اخطار شود که اعمال منافعی عبور بی‌ضرر را متوقف کند و در صورت عدم توجه به اخطار، از کشتی خواسته شود که دریای سرزمینی را ترک نماید و چنانچه به این خواسته عمل نشود، توسل به زور، مجاز خواهد بود. پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا عبور کشتی جنگی از دریای سرزمینی با رعایت مقررات عبور بی‌ضرر اما بدون اجازه قبلی، به آن وصف عبور غیربی‌ضرر می‌دهد؟ به نظر می‌رسد که بتوان مدلول ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق دریاها را شامل این مورد دانست. به‌موجب ماده مذکور: «چنانچه کشتی جنگی، قوانین و مقررات کشور ساحلی را درباره عبور از دریای سرزمینی رعایت نکند و درخواست رعایت آن قوانین و مقررات را نادیده بگیرد، دولت ساحلی می‌تواند از کشتی مزبور بخواهد که فوراً دریای سرزمینی را ترک کند». به‌طبع، کشورهایی مانند ایران، طبق قوانین داخلی خود، عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی را منوط به اجازه قبلی کرده‌اند. درهرحال، چنانچه درخواست ترک دریای سرزمینی پذیرفته نشود، عبور غیربی‌ضرر محقق شده و توسل به زور مجاز خواهد بود.^{۱۳۷} چنانچه اقدام عملیاتی توسط هواپیما یا هر نوع هواگرد دیگری در فضای هوایی دریای سرزمینی انجام شود، آنچه درباره کشتی جنگی گفته شد به‌طریق اولی صادق است چون هواپیما از حق عبور بی‌ضرر برخوردار نیست.

اما وضع منطقه انحصاری اقتصادی متفاوت است. اشاره شد که ایران فعالیت نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی خود را ممنوع کرده است و در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ علیه این موضع ایران، اقدام عملیاتی انجام شده است. حال پرسش این است که آیا می‌توان در پاسخ به این اقدامات نیز توسل به زور را مجاز دانست؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی به این پرسش، شایسته دفاع باشد.

۱۳۷. برای توضیح بیشتر درباره عبور غیر بی‌ضرر، ن.ک:

David Froman, F, "Uncharted Waters: Non-innocent Passage of Warships in the Territorial Sea" 21 *San Diego Law Review* (1983-1984), pp. 625 *et seq.*

توضیح اینکه برخلاف دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی تحت حاکمیت کشور ساحلی قرار ندارد و لذا توسل به زور در این منطقه، خلاف اصل است. به همین لحاظ، موارد مجاز برای کاربرد زور در منطقه انحصاری اقتصادی به‌طور منصوص در کنوانسیون حقوق دریاها تصریح شده است (مواد ۷۳ و ۲۲۰ کنوانسیون). بدیهی است که در موارد خلاف اصل باید به‌قدر متیقن بسنده و از تفسیر موسع که مستلزم شمول حکم به‌غیر موارد منصوص است، خودداری شود.^{۱۳۸} قبلاً ذکر شد که ممنوعیت فعالیت نظامی در منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون حقوق دریاها مقرر نشده است و این رویه دولت‌هاست که در صدد تثبیت آن در حقوق موضوعه برآمده است. لذا دشوار بتوان این مسئله را مجوزی برای کاربرد زور دانست.

باید این نکته را نیز افزود که توسل به زور در برابر اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی تنها یک گزینه است که انتخاب آن، بسته به تصمیم سیاسی است که بنا به شرایط سیاسی و نظامی و محاسبه هزینه و فایده اتخاذ می‌شود. ممکن است با لحاظ مصلحت سیاسی یا مقدرات نظامی یا هر دو، تصمیم بر این قرار گیرد که هیچ واکنش نظامی به اقدام عملیاتی نشان داده نشود؛ چنانکه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بیشینه موارد، کشورهای ساحلی اساساً در برابر عبور غیربی‌ضرر، واکنش نظامی نشان نمی‌دهند.^{۱۳۹} برای نمونه، طبق اسناد دولت امریکا، ایران در برابر اقدامات عملیاتی که در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در مورد عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی ایران (به‌صورت ورود ناوهای جنگی بدون اجازه قبلی) انجام شده بود، واکنشی نشان نداده است.^{۱۴۰} در منابع در دسترس عموم، مدرکی که نشانگر واکنش نظامی ایران در سال‌های بعد از این باشد، مشاهده نشده است. به هر تقدیر، در این زمینه رویه شوروی سابق در دهه هشتاد میلادی و چین در سال‌های اخیر، هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ تاکتیک نظامی درخور بررسی به‌نظر می‌رسد. در مقابل، اعتراض دیپلماتیک به اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی، ضرورتی است که نباید از آن غفلت کرد. قبلاً اشاره شد که هدف از اقدامات عملیاتی این است که نشان داده شود دولت امریکا ادعاهای دریایی به‌اصطلاح افزون‌خواهانه را به‌رسمیت نمی‌شناسد. اگر در برابر این اقدامات سکوت شود، این سکوت به عدول از موضع مورد اعتراض یا به تعبیر دیگر، رضایت ضمنی به اعتراض امریکا قابل تفسیر خواهد شد و البته خواسته دولت امریکا، به تفصیلی که گذشت، دقیقاً همین است. افزون بر این، با اعتراض به این اقدامات می‌توان ارزش رویه‌ای آن‌ها را از لحاظ حقوق بین‌الملل عرفی رفع کرد. در همین راستا ضروری است که اعتراضات

۱۳۸. برای توضیح بیشتر درباره کاربرد زور در منطقه انحصاری اقتصادی، ن.ک:

McLaughlin, Rob, "Coastal State Use of Force in the EEZ under the Law of the Sea Convention 1982" 18 *University of Tasmania Law Review* (1999), pp. 11 *et seq.*

139. David Froman, *op. cit.*, pp. 666 *et seq.*

140. *Limits in the Seas No. 114*, p. 15.

دیپلماتیک، حتماً در سطح سازمان ملل متحد (مثلاً به صورت توزیع به عنوان سند مجمع عمومی) و به ویژه در بولتن حقوق دریاها منتشر شود زیرا اقدامات دولت‌ها در صورت انتشار رسمی و اطلاع اعضای جامعه بین‌المللی، به مراتب بیشتر در شکل گرفتن رویه، مؤثر خواهد افتاد.

نتیجه

بیش از سه دهه است که برنامه آزادی دریانوردی از سوی دولت آمریکا به اجرا درآمده است. هدف از اجرای این برنامه، مقابله حقوقی و عملی با مواضع دریایی کشورهای ساحلی است که از نظر آمریکا با قواعد حقوق بین‌الملل دریاها مغایرت داشته و به طور کمی یا کیفی، آزادی‌های دریای آزاد را در دریاهای جهان کاهش می‌دهند. حساسیت آمریکا در این زمینه از آن روست که با محدود شدن آزادی‌های دریای آزاد، قابلیت تحرک نیروی دریایی آمریکا کاهش پیدا می‌کند و این امر به منافع آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین قدرت دریایی جهانی، لطمه وارد می‌سازد. برنامه آزادی دریانوردی دارای دو جنبه است. یک جنبه این برنامه، جنبه سیاسی-حقوقی آن است که به صورت اعتراض دیپلماتیک به ادعاهای دریایی موردنظر جلوه می‌یابد و چندان غیرعادی نیست. اما جنبه دیگر این برنامه، بُعد نظامی آن است که به صورت اقدامات عملیاتی نمود می‌یابد. طی این اقدامات، نیروی دریایی آمریکا ضمن نقض قلمرو حاکمیت دریایی دولت هدف، عملاً موضع دریایی مورد اعتراض آمریکا را به چالش درمی‌آورد.

در میان کشورهای ساحلی که تاکنون هدف برنامه آزادی دریانوردی قرار گرفته‌اند، بیشترین تعداد اقدامات عملیاتی علیه ایران انجام شده است. در واقع، به رغم اینکه در سال‌های اخیر، تعداد اقدامات عملیاتی برنامه آزادی دریانوردی به تدریج کاهش یافته، ایران همواره و همچنان هدف اقدامات عملیاتی قرار گرفته و می‌گیرد. اعتراض آمریکا به ایران، نسبت به مناطق دریایی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بوده و ناظر به چهار موضوع است: مشروط شدن عبور بی‌ضرر کشتی‌های جنگی از دریای سرزمینی به اجازه قبلی، سیستم خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و دریای عمان، محدود شدن حق عبور ترانزیت از تنگه هرمز به اعضای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و ممنوع شدن فعالیت نظامی و گردآوری اطلاعات در منطقه انحصاری اقتصادی ایران.

اقدامات عملیاتی که درون دریای سرزمینی ایران انجام می‌شود، با رعایت شرایط مشخص، توسل به زور را تا حد اخراج ناو یا هواگرد مجری اقدام عملیاتی از دریای سرزمینی، تجویز قانونی می‌کند. همچنین ضروری است که هر اقدام عملیاتی حتماً از مجاری دیپلماتیک، مورد اعتراض رسمی قرار گیرد و این اعتراض به نحو مقتضی در سطح بین‌المللی منتشر شود.

منابع:

الف) فارسی

– کتاب

- کاظمی، سیدعلی اصغر؛ «ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

– مقاله

- رنجبریان، امیرحسین و ساسان صیرفی؛ «بررسی خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اعتراض کشورهای دیگر به آن»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۸، بهار – تابستان ۱۳۹۲.

– رساله

- صیرفی، ساسان؛ «حقوق بین‌الملل عرفی خط مبدأ مناطق دریایی؛ با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

ب) انگلیسی

– Books

- Cummins, Sally J. and David P. Stewart (eds.), *The Digest of United States Practice in International Law 1991-1999*, International Law Institute, 2005.
- Garner, Bryan A.(ed.), *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co., 2004.
- Guymon, CarrieLyn D. (ed.), *The Digest of United States Practice in International Law, 2013*.
- Klein, Natalie, *Maritime Security and the Law of the Sea*, Oxford University Press, 2011.
- Kraska, James and Raul Pedrozo, *International Maritime Security Law*, Martinus Nijhoff Publications, 2013.
- Pickering, Margret S., Sally J. Cummins and David P. Stewart (eds.), *The Digest of United States Practice in International Law 1989-1990*, International Law institute, 2003.
- Roach, J. Ashley and Robert W. Smith, *United States Responses to*

Excessive Maritime Claims, 3rd ed., Martinus Nijhoff Publishers, 2012.

– **Articles**

- Aceves, William J., “The Freedom of Navigation Program: A Study of Relationship between Law and Politics” 19 *Hastings International and Comparative Law Review* (1995-1996).
- Aceves, William J., “Diplomacy at Sea: U.S. Freedom of Navigation Operations in the Black Sea” 46 *Naval War College Review* (1993).
- Akehurst, Michael, “Custom as a Source of International Law” 47 *British Yearbook of International Law* (1974-75).
- Alexander, Lewis M., “The Ocean Enclosure Movement: Inventory and Prospect” 20 *San Diego Law Review* (1982-1983).
- Charney, Johnathon I. “The Persistent Objector Rule and the Development of Customary International Law”, 56 *British Yearbook of International Law* (1985).
- David Froman, F, “Uncharted Waters: Non-innocent Passage of Warships in the Territorial Sea” 21 *San Diego Law Review* (1983-1984).
- Grunawalt, Richard J., “Freedom of Navigation in the Post-Cold War Era” in D.R. Rothwell and S. Bateman (eds.), *Navigational Rights and Freedoms and the New Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2000.
- Kraska, James, ”The Law of the Sea Convention: A National Security Success–Global Strategic Mobility through the Rule of law” 39 *George Washington International Law Review* (2007).
- Leiner, Frederick C., “Maritime Security Zones: Prohibited Yet Perpetuated” 24 *Virginia Journal of International Law* (1984).
- MacGibbon, Ian C., “Some Observations on the Part of Protest in International Law”, 30 *British Yearbook of International Law* (1953).
- MacGibbon, Ian C., “The Scope of Acquiescence in International Law”, 31 *British Yearbook of International Law* (1954).
- Mandsager, Dennis, “The U.S. Freedom of Navigation Program: Policy, Procedure, and Future” in Michael N. Schmitt (ed.) *The Law of Military Operations; Liber Amicorum Professor Jack Grunawalt (U.S. Naval War College International Law Studies, vol. 72)*, Naval War College Press, 1998.
- McLaughlin, Rob, “Coastal State Use of Force in the EEZ under the Law of The Sea Convention 1982” 18 *University of Tasmania Law Review* (1999).
- Oxman, Bernard H., “The Territorial Temptations: A Siren Song at Sea” 100 *American Journal of International Law* (2006).

- Richardson, Eliot L., "Power, Mobility and the Law of the Sea" *Foreign Affairs*, 58 No. 4 (Spring 1980).
- Roach, J. Ashly, "Excessive Maritime Claims" 84 *Proceedings of the American Society of International Law*, (1990).
- Stephens, Dale, "The Legal Efficacy of Freedom of Navigation Assertion" in Richard B. Jacques (ed.) *Issues in International Law and Military Operations (U.S. Naval War College International Law Studies, vol. 80)*, Naval War College Press, 2006.

– Documents

- Act on the Maritime Areas of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Sea of Oman, *Law of the sea Bulletin, No. 24(1993)*.
- Comments of the Islamic Republic of Iran concerning the viewpoints of the Government of the United States of America regarding the Act on Marine Areas of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Oman Sea of 2 May 1993, note verbale of 24 May 1994, *Law of the Sea Bulletin No. 26 (1994)*.
- Corfu Channel Case, Judgment of April 9th, 1949, *I.C.J. Reports 1949*.
- Declaration made by the Islamic Republic of Iran upon signature of The United Nations Convention on the Law of the Sea (Declaration of Understanding), *Law of the Sea Bulletin No. 5(1985)*.
- Negroponte, John D., "Who Will Protect Freedom of the Seas" United States Department of State, Bureau of Public Affairs, Office of Public Communication, *Current Policy No. 855, 1986*.
- Protest from the United States of America concerning the legislative acts of the Islamic Republic of Iran of 2 May 1993 and Decree-Law of 21 July 1973, dated 11 January 1994, *Law of the Sea Bulletin No. 25(1994)*.
- Reagan, Ronald W., *Statement on United States Oceans Policy*, March 10, 1983, *Law of the sea Bulletin, No. 1(1982)*.
- United States Department of State, Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs, Pub No. 112, *Limits in Seas: United States Responses to Excessive National Maritime Claims*, 1992.
- United States Department of State, Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs, Pub No. 114, *Limits in Seas: Iran's Maritime Claims*, 1994.
- United States Statement in Right of Reply dated 8 March 1983, Note by the Secretariat, U.N. Doc A/CONF.62/WS/37 ADD. 1 AND 2, *Official Records of the Third United Nations Conference on the Law of the Sea*, vol. XVII.

– Websites

- <http://bushlibrary.tamu.edu>
- <http://www.reagan.utexas.edu>
- <http://www.state.gov>
- <http://www.dtic.mil>
- <http://www.reuters.com>

